



۱۷۸-۱۷۷

نفس جوان

ماهنامه فرهنگی - اجتماعی - مرداد و شهریورماه - سال ۱۳۹۹ - قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

ایثار تا آخرین نفس

مدرسه بازی سازان فردا
قدمی برای بازی ساز شدن شما

موسس سمپاد جاودانه شد
مجاهد خاموش

گفتگو با دختر شهید مدافع حرم حسن رجایی فر

دفترچه‌ی پر از دلتنگی‌های خواننده نشده



توصیه‌های رهبر عزیزمان

قدر مجالس عزاداری را بدانند، از این مجالس استفاده کنید و روحاً و قلباً این مجالس را وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هرچه محکم‌تر میان خودشان و حسین بن علی علیه‌السلام، خاندان پیغمبر و روح اسلام و قرآن قرار دهند

مادر من که از دین من دور شده





کمک مؤمنانه



”سبقت در کار خیر از دستورات مؤکد و مکرر الهی در قرآن مجید است و موجب شوق و انگیزه دیگران به کارهای خیر نیز می شود.“

سید علی



ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۷۸-۱۷۷ مرداد و شهریور ماه سال ۱۳۹۹
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول و سردبیر: رحیم نریمانی
ناظر تولید: سیده فاطمه رضایی
مدیر اجرایی: خدیجه اکبری
مجری طرح: وب مهرآز

همکاران این شماره: ریحانه محمود صالحی، توحید سیف،
ایلیا حسینی، شکیلا تقی‌اوغلی، پریسا علی‌زاده، عاطفه صدرپور

گرافیک:
صفحه آرا و تصویر گر:
سیده زینب اسکندریان

فهرست

امور فنی: آتلیه نشر شاهد
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
امور مشترکین: محمدرضا اصغری
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸



نشانی الکترونیکی:
mag.navideshahed.com

ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان طالقانی
خیابان ملک‌الشعرای بهار شمالی - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸

صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* مجله برای نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ سال منتشر می‌شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی‌شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

سرمقاله

۱۵

گفت‌وگو

۱۶

دست به خیر

۱۸

علمی

۱۰

شاعرانه

۱۲

صنعت

۱۴

شگفتی خلقت

۱۶

الگوی امروز

۱۸

سالم بمانیم

۲۰

گزارش

۲۲

جهان

۲۴

داستان

۲۶

اسطوره‌ها

۲۸

راهکار

۳۰

هنرستان

۳۲

سلامت

۳۴

همسایه‌ها

۳۶

همسایه‌ها

۳۸

زنگ تفریحی

۴۰

مستطیل سبز

۴۲

یادمان

۴۴

پیشنهاد

۴۶

سرگرمی

۴۸

توصیه شهید

۵۰

مراقب و مهربان به استقبال مهر

باز ماه مهر و ایام گشایش مدرسه‌ها فرا رسید. در سال تحصیلی جدید سعی خواهیم کرد تا با شرایط کنونی جامعه و تعطیلی مدارس کنار بیاییم. سعی می‌کنیم تا تمرکز بیشتری روی درس‌هایمان داشته باشیم و بتوانیم خوب آنها را فرا بگیریم. مدرسه از راه دور چیز جدیدی است که در حال تجربه آن هستیم. با این که همگی دوست داشتیم دوباره مدرسه مثل قبل بشود و دوستانمان را از نزدیک ببینیم، ولی اوضاع جور دیگری است و ناچار به پذیرش آن هستیم. ما باید یاد بگیریم تا در زندگی خودمان را با شرایط جدید وفق دهیم. زندگی پر از فراز و نشیب است و هرچه بزرگتر می‌شویم با مساله‌های جدیدی روبرو می‌شویم و کم‌کم یاد می‌گیریم که صبر راز همه سختی‌ها است.

در این روزگار که بیماری کرونا جامعه‌مان را تهدید می‌کند و هموطنان عزیزمان را دچار می‌کند، هر روزه در نماز و دعاهايمان از خداوند بزرگ می‌خواهیم تا ما را، و همه مردم جهان را، از شر این بیماری سخت نجات دهد. دعا می‌کنیم تا خدای مهربان پزشکان و کادر درمان را در پناه خود حفظ کند و به آنها توان و نیرویی بدهد که بتوانند جان مردم را نجات دهند و شادی را به خانواده‌ها هدیه بدهند. خودمان نیز با رعایت پروتکل‌های بهداشتی تلاش می‌کنیم تا از زیاد شدن بار بیماری در جامعه کم کنیم. همچنین از خداوند کمک بخواهیم تا بتوانیم بیشتر و راحت‌تر روی درس‌هایمان تمرکز کنیم.

سعی می‌کنیم در خانه خوش اخلاقی و صبر را تمرین کنیم. شاد باشیم و به دیگران هم شادی را منتقل کنیم. این روزها برای همه‌ی مردم - چه کوچک و چه بزرگ- روزهای سختی است. اگر خدای ناکرده در خانواده عزیزی از نزدیکانمان از دست دادیم از خداوند می‌خواهیم روحش را در آرامش قرار دهد و برای خود و برای بازماندگانمان طلب صبر می‌کنیم. الهی آمین





گفتگو با دختر شهید مدافع حرم حسن رجایی فر

دفترچه‌ی پراز دل‌تنگی‌های خوانده نشده

ریحانه محمود صالحی ✨

مهدیه رجایی فر دختر ۱۷ ساله شهید مدافع حرم حسن رجایی فر خاطراتی که از پدر دارد را در قالب گفت‌وگویی با شاهد نوجوان مرور می‌کند.

راس ساعت مقرر به شماره‌ای که از قبل در اختیارم قرار داده بود، زنگ می‌زنم، بعد از چند بوق ممتد، گوشی را بر می‌دارد و با لحنی آرام که از دل بغضی چهار ساله آمده، سلام می‌کند. گویی تمایلی به مصاحبه ندارد و می‌خواهد رازهای عاشقانه دخترانه‌اش را با پدر، تنها به دفترچه یادداشت دل‌تنگی‌هایش بگوید و بس.

اما دلش هم نمی‌آید که از شخصیت پدر که نماد عزت و استقامت در دفاع از حرم اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بود، حرفی به میان نیاید. پدری که همراه با چهارده هم‌رزم خود در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ در منطقه خان طومان از پیکرهای بی‌جان خود سنگری از ایثار و مقاومت بنا کردند تا دشمن تکفیری قدم از قدم بر ندارد.



پدرم هم چهارم تیر ماه سال ۱۳۵۴ در روستای خوش آب و هوای «امیکالا» از توابع شهرستان بابل به دنیا آمد و پس از پایان دوران خدمت نظام وظیفه، در سال ۱۳۸۷ به عضویت سپاه پاسداران درآمد.



یک خاطره خوب

یک روز بعد از ظهر مادر قصد داشت برای انجام کاری از خانه بیرون برود و قبل از آن مواد غذایی را از یخچال بیرون گذاشت و از من خواست تا غذا (کتلت) درست کنم و من هم دوست داشتم با دوستانم بازی کنم و خیلی ناراحت بودم. پدر که از سر کار برگشت و ناراحتی من را دید، گفت: «تو برو با دوستانت بازی کن، من خودم شام را درست می‌کنم، فقط قبل از اینکه مادر به خانه برسد، برگرد که فکر نکند شام امشب کار تو نبوده.» مادر که برگشت متوجه نقشه من و پدر نشد اما وقتی در آشپزخانه دید که کتلت‌ها تکه تکه شده، به من ایراد گرفت و قرار شد من به جبران خراب کردن کتلت‌ها، ظرف‌های شام را بشورم و پدرم به من نگاه می‌کرد و می‌خندید.

توصیه‌های پدر

پدرم هر بار قبل از اعزام به ماموریت، از اهداف و آرمان‌های شهدای مدافع حرم برای من صحبت می‌کرد و اینکه دفاع از مردم و حریم مقدس اهل بیت (علیهم السلام) چه جایگاه بالایی دارد و زمانی هم که از ماموریت بر می‌گشت، بدون اطلاع خانواده به فقرا و نیازمندان محل کمک می‌کرد که بعضی از این مسائل را بعد از شهادت پدرم از امام جماعت مسجد محل شنیدیم.

دلتنگی‌ها برای پدر

پدرم پس از حمله داعش به سوریه، با توجه به اینکه از نیروهای عملیاتی بود، حداقل دو هفته تا دو ماه در ماموریت به سر می‌برد و من حتی اگر روزی پنج بار هم با ایشان تماس می‌گرفتم یا خود ایشان گاهی به ما تلفن می‌زد،

اولین سوالم این بود که کی بر می‌گردد؟ اما هیچ وقت دلتنگی‌هایم را با پدرم مطرح نمی‌کردم تا در انجام ماموریت‌ها و اهدافش که مهمترین آن، دفاع از حرم حضرت زینب (س) بود، مشکلی ایجاد نشود. دفترچه یادداشتی را تهیه کرده بودم که تمامی دلتنگی‌ها و درد دل‌هایم با پدر را در آن می‌نوشتم که هیچ وقت هم این دفترچه را به او نشان ندادم.

شهادت پدر

از همان روز اول که پدرم برای مبارزه با داعش عازم سوریه شد، منتظر شنیدن خبر شهادتش بودم و به همین دلیل هر بار که از ماموریت بر می‌گشت، نگران می‌شدم که نکند این آخرین باری باشد که پدر را می‌بینم. اردیبهشت ۹۵ خبرهای جسته گریخته‌ای از شهادت مدافعین حرم در منطقه خان طومان می‌شنیدیم، اما هیچ کس خبر شهادت پدرم را تایید نمی‌کرد و فقط دو روزی از ایشان بی‌خبر بودیم، من مشغول امتحان‌های پایان ترم بودم و البته در دلم هم نگران حال پدر، که چرا در دو روز گذشته هیچ تماسی با ما نداشته است، حتی از همسایه‌مان هم که همسرش جزو مدافعین حرم بود، پرسیدیم که خبر جدیدی به دستتان نرسیده است که او با اینکه با همسرش تماس داشت، برای اینکه نگرانی ما بیشتر نشود، گفت: «من هم هیچ تماسی نداشتم». فردای آن روز، با استرس و دلهره زیادی به مدرسه رفتم و زنگ دوم امتحان داشتم، قبل از امتحان از ناظم مدرسه خواش کردم که با خانه تماسی بگیرم و از مادر پرس‌وجو کنم که خبری از پدر رسیده است یا نه. وقتی که به خانه زنگ زدم، مادر با حالتی بغض‌آلود گفت: «دخترم نگران نباش، بابا تماس گرفته، تو فقط سعی کن امتحانت را به خوبی پشت سر

بگذاری.» و من وقتی صدای مادر را شنیدم با اینکه ته دلم خوشحال بودم که خبری از پدر رسیده، اما مطمئن بودم که اتفاقی افتاده که مادر با بغض صحبت می‌کرد و این نگرانی من را دو چندان کرده بود.

تنها انگیزه

از همان صبح، کادر آموزشی مدرسه خبر شهادت پدرم را شنیده بودند و به من چیزی نمی‌گفتند. یکی از همکلاسی‌هایم گفت: «مهدیه سعی کن امتحانت را خوب بدهی که اگر پدرت به سلامتی برگشت از نمره خوب تو خوشحال شود.» و این تنها انگیزه‌ای بود که باعث شد من با وجود دلهره‌ای که داشتم، با دقت به سوالات امتحانی جواب بدهم.

خبر شهادت

همان روز بعد از امتحان، وقتی به خانه برگشتم، در کوچه و جلوی خانه صدای برادرم را شنیدم که گریه می‌کرد و با صدای بلند می‌گفت: «بابایی که هر روز فاطمیه را برگزار می‌کردی، کجایی؟؟؟» در همین لحظه وارد خانه شدم و همسایه‌ها را دیدم که برای دل‌داری مادرم به خانه ما آمده بودند و فهمیدم که خبر شهادت پدرم را همراه با ۱۴ هم‌رزم دیگرش را - که در منطقه خان طومان هم‌زمان به شهادت رسیده بودند - آوردند.

توصیه برای هم‌سالان

امیدوارم به عنوان یک فرزند شهید بتوانم دنباله‌رو همان آرمان‌ها و اهدافی باشم که شهدای مدافع وطن در هشت سال دفاع مقدس و مدافعان حرم در پاسداری از حرم حضرت زینب (س) برای آن جان خود را نثار کردند.

به مناسبت روز جهانی خیریه؛ دست به خیر

چگونه به هموعان خود کمک کنیم؟

توحید سیف

نیکوکاری و داشتن روحیه کمک به هموعان در ذات اغلب انسان‌ها وجود دارد. علاوه بر این در فرهنگ ایرانی و اسلامی کمک به دیگران کاری بسیار پسندیده است که پاداش بزرگی از سوی خداوند در دنیا و آخرت به همراه دارد. اما ما به چه شکل می‌توانیم به کسانی که نیازمند هستند کمک کنیم. آیا حتماً نیاز داریم که انسان‌های ثروتمندی باشیم و کمک‌های مادی انجام بدهیم، یا می‌توانیم با داشته‌های خودمان هم کمک حال هموطنان و دوستان خودمان باشیم؟ برای کمک به دیگران راه‌های بسیاری وجود دارد، مراکز خیریه، انجمن‌های حمایت از کودکان کار، مراکزی که به افراد بی بضاعت خدمات و آموزش ارائه می‌دهند و حتی انسان‌هایی که در دور اطراف خودمان می‌بینیم می‌توانند به کمک ما نیاز داشته باشند. اما این که ما به چه شکل می‌توانیم به افراد نیازمند کمک کنیم مسئله دیگری است. در این مجال به بررسی راه و روش‌های نیکوکاری می‌پردازیم تا باهم یاد بگیریم که چگونه حتی با کم‌ترین داشته‌های خودمان هم می‌توانیم عده‌ای را خوشحال کنیم.

امام صادق (ع) میفرماید:



«هرچیز زکاتی دارد و زکات دانش، آموختن آن است به اهلش».



این حدیث و این آموزه دینی، علاوه بر یادآور شدن زکات علم، یک راه و روش نیکوکاری را هم به ما خاطرنشان می‌کند. لازم نیست ما برای کمک به دیگران حتماً به کمک مالی فکر کنیم، که البته اگر توان آن را داشته باشیم کار بسیار پسندیده‌ای است، اما در صورتی که توان کمک مادی را نداریم، می‌توانیم با ارائه خدمات از طریق دانش و مهارت خود به دیگران کمک کنیم. برای مثال اگر ما نجاری بلد هستیم و یک خانواده بی بضاعتی را می‌شناسیم که نیاز به یک کار نجاری دارند، می‌توانیم این مهارت خود را به صورت رایگان در اختیار آنها قرار بدهیم. یا اگر ما دانش آموزی نمونه هستیم، می‌توانیم داشته‌های علمی خود را در اختیار دانش آموزانی بگذاریم که توان استفاده از کلاس‌های فوق‌العاده و معلم‌های خصوصی را ندارند.



یکی دیگر از راه‌های نیکوکاری غیر مادی، کمک عملی و اختصاص وقت برای نیازمندان است. اگر موسسه خیریه، مرکز نگهداری سالمندان یا هر مرکزی را می‌شناسیم که نیاز به کمک دارند می‌توانیم با حضور منظم در آن مرکز به کارهای عملی آن‌ها، مثل نظافت مرکز، تهیه غذا و مراقبت از افرادی که در آن مرکز هستند کمک کنیم. یا برای مثال اگر یک پیرزن تنها را در همسایگی خود می‌شناسیم می‌توانیم با انجام دادن کارهای او، مثل خرید کردن، کمک حال او باشیم.

مثال‌های بیشتری می‌توان از این نوع کمک به دیگران، و انجام امور نیکوکاری بیان کرد، اما مسئله مهم‌تر توجه به چگونگی کمک به دیگران است. ما ابتدا باید بدانیم که بهتر است حوزه کمک رسانی خود را در تخصص خود انتخاب کنیم، اگر تخصص ما در خیاطی است بهتر است که این مهارت را به کسانی که مشتاق هستند آموزش بدهیم تا بتوانند از این راه کار آفرینی بکنند، در این حالت بازده کمک ما بیشتر خواهد بود. اگر هم تخصص خاصی نداریم، می‌توانیم در کارهای عمومی مشارکت کنیم. نکته دیگر این است که در بعضی موارد بهتر است اغلب به غریبه‌ها کمک کنیم، چرا که آشنایان ما ممکن است از بیان نیازها و ناتوانی‌های خود خجالت بکشند. و در آخر بهتر است به منظور سازمان‌دهی بیشتر و هدفمند کردن کمک‌های خود، با موسسه‌ها و انجمن‌هایی که با تدوین برنامه و به صورت گروهی و اشتراکی برای نیازمندان خدمات نیکوکارانه انجام می‌دهند همکاری کنیم، چرا که در این صورت هم به جامعه هدف مناسب‌تری دسترسی پیدا می‌کنیم و هم از موازی کاری و کمک‌های خنثی فاصله می‌گیریم. در نهایت می‌توان گفت که ما اگر مطابق سرشت پاک و خدا آشنای خودمان بخواهیم به دیگران کمک کنیم، حتی اگر هیچ امکاناتی برای کمک کردن نداشته باشیم، حتماً راه‌های ساده‌تری را پیدا کرده و کمک حال هموعانمان خواهیم بود.



علمی

آینده چه شکلی است؟

ایلیا حسینی

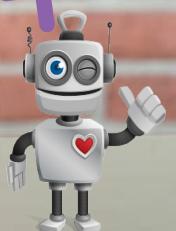
همه این مثال‌ها نشان می‌دهد که با توسعه تکنولوژی، شغل‌هایی که امروزه در جامعه می‌بینیم ممکن است به زودی از بین بروند. در نتیجه چاره‌ای نداریم جز اینکه توانایی و مهارت‌هایمان را با تکنولوژی روز هم مسیر کنیم. با اینکه بعضی شغل‌ها حذف خواهند شد ولی بسیاری شغل دیگر نیز ایجاد می‌شود.

دقت کرده‌اید که وقتی میخواهید از مترو استفاده کنید کسی از شما کرایه دریافت نمی‌کند؟ و این کار به صورت الکترونیکی و خودکار از کارت بلیط شما کسر می‌شود؟

وقتی در حال گرفتن تاکسی اینترنتی هستید به این فکر می‌کنید که تا چند سال پیش این شغل و این نرم‌افزارها اصلاً وجود نداشتند؟

آیا به تفاوت روزنامه‌های کاغذی و خبرگزاری‌های آنلاین توجه کرده‌اید؟

وقتی روشن‌های کشاورزی امروزی را با گذشته مقایسه می‌کنید متوجه چه تغییراتی می‌شوید؟





به طور مثال در حال حاضر تکنولوژی کامیون‌های بدون راننده در دسترس بشر است. برای مکانیزه کردن صنعت حمل‌ونقل باید جاده‌ها برای نسل جدید کامیون‌ها آماده شود. با این تکنولوژی بسیاری از رانندگان کامیون شغل خود را از دست خواهند داد. چون که کامیون‌های بدون راننده، بصورت ۲۴ ساعته در ۷ روز هفته بدون خستگی می‌تواند حرکت کند.

با حذف شدن شغل رانندگی، وجود چند شغل جدید ضروری به نظر می‌رسد. مثل کنترل کننده بزرگراه، طراح صفحه‌های سوخت خورشیدی با بازدهی بیشتر، تعمیر کننده‌های کامیون‌های هوشمند، مهندس جاده هوشمند و ...



در بعضی از رستوران‌ها با استفاده از دستگاه‌های تعبیه شده، بدون نیاز به گارسون می‌توان منو را دید، غذا را انتخاب کرد و بعد از صدور صورتحساب می‌توان هزینه را با کارت بانکی پرداخت کرد. حتی هم اکنون نیز در سرتاسر دنیا رستوران‌ها و مراکز ارائه غذایی وجود دارند که سفارش را هم ربات‌ها سر میز می‌آورند و دور از انتظار نیست که در آینده غذای سفارشی ما در اکثر این اماکن توسط ربات‌ها سر میز بیاید. با همین پروسه ساده شغل‌هایی مانند سالن کار و صندوقدار حذف می‌شوند.



امروزه برای سمپاشی زمین‌ها از پهباد (نوعی وسیله پرنده هدایت‌پذیر از راه دور بدون خلبان) کمک می‌گیرند. با این وسیله سمپاشی به صورت دقیق و به اندازه استفاده می‌شود که باعث حفظ محیط زیست نیز می‌شود. حتی با اصلاح ژنتیک می‌توان زمان کاشت و داشت را کوتاهتر کرد. به این صورت بازدهی محصولات بیشتر می‌شود. چون با افزایش جمعیت کره زمین، دیگر کشاورزی به روش سنتی جوابگوی تامین نیازهای بشر نخواهد بود. با این تغییرات در آینده کشاورزی نیز در انحصار افرادی خاص خواهد بود. در نتیجه کشاورزی نیز یکی از شغل‌هایی است که به مرور تغییر خواهد کرد.



خیاط دیجیتال، مشاور تناسب اندام آنلاین، تکنسین مراقب سلامت با هوش مصنوعی، پرستار و همراه افراد سالخورده، مهندس کنترل کیفیت هوا، متخصص بازیابی زباله، معماری بناهای هوشمند، بهینه‌ساز حافظه، طراح زیستگاه‌های فرازمینی، میکروبیولوژیست فضایی، جراح مجازی (جراحی از راه دور به کمک ربات)، تحلیلگر رفتار ربات‌ها و ... فقط چند مورد از چندصد هزار شغل جدید در آینده است.

شاید بهتر است در انشای خود با موضوع در آینده می‌خواهید چه کاره شوید تجدید نظر کنید و خودتان را برای شغل‌های جدید آماده کنید.



گفتگو با شاعر نوجوان

بگذارید واژه‌ها به کمک احساساتتان بیایند

❖ شکیلاتقی اوغلی

اولین اسمی که بعد از شنیدن
واژه «شاعر نوجوان» در ذهنم
نقش بست، «زهرا اسلامی» بود.
سال‌هاست که حرف‌هایش شعراند.
اکنون حدود هجده سال سن دارد
و بیشتر از داستان، شعر می‌نویسد.
وقتی از او خواستم پای
سوالاتم بنشیند؛ نه نگفت.



شعر طنز مشکل جهانبینی

سعیده موسی زاده

فکر می کنم زشتم
بدقواره و چاقم
کله گنده، کوتوله
من شبیه سنجاقم

کاش قرص زیبایی
اختراع می کردند
شربت قذفزایی
اختراع می کردند

جادویی اگر می کرد
موی فرفری را صاف
یا که ده گرم کم داشت
این دماغ بی انصاف

می شدم کمی راضی
مثل این همه دختر
خلق و خوی من می شد
واقعا کمی بهتر

با نگاه من اما
دکترم موافق نیست
فکر می کنم چندان
آپ تو دیت و حاذق نیست

گفته دکترم جدی
عینک تو معیوب است
عینک عجیبت را
زود عوض کنی خوب است

او نوشته در نسخه
«مشکل جهان بینی
عینک جدیدی با
شیشه های خوش بینی»

علاقه شما به شعر از کجا شروع شد؟ یک جرقه یا اتفاق؟

از کودکی به شعر علاقه داشتم. مجلات و کتاب های مختلف را ورق می زدم تا به قسمت اشعار برسم و با ذوق شروع به خواندن می کردم. فضای احساسی و وزن شعر حس خوبی را به خواننده منتقل می کند؛ بنابراین سریعاً جذب شعر شدم. اولین سروده من به زمانی برمی گردد که یکی از بستگان نزدیکم را از دست دادم. با اینکه آن زمان سن کمی داشتم و از اصول شعری چیز زیادی نمی دانستم اما جرات کردم که بنویسم؛ از واژه ها کمک گرفتم تا احساساتم را نشان بدهم. بعد از سرودن، احساس آرامش و سبکی می کردم. مواقعی که نمی توانستم حرفها را به زبان بیاورم، دست به دامن شعر می شدم. کم کم در کلاس های ادبی شرکت کردم و اولین تابلو شاعر شدن را خواندم.

فکر می کنید چه چیزی افراد را در مسیر شاعر شدن موفق می کند؟

برای موفقیت، از مطالعه آثار شعرا و یا حتی نویسندگان موفق نباید غافل شد. این آثار کمک مان می کنند تا بهتر با اصول شعر آشنا بشویم و بتوانیم موضوعی ساده را به شعری جذاب تبدیل کنیم. از خوب ننوشتن ترسیم فرصت مناسب را پیدا کنیم، بارها تمرین کنیم. به خودمان اجازه سرودن و حتی اشتباه سرودن را بدهیم. بعد از نوشتن، شعرمان را نقد و بررسی کنیم و ایرادات را رفع کنیم. از نظرات دیگران ادبیات و افراد متخصص در این زمینه، نهایت استفاده را بکنیم.

به نظر شما فضای مجازی چه قدر روی گرایش افراد به شعر و داستان، تأثیر گذاشته است؟

به نظر من، یکی از مهمترین مواردی که نوجوانان را از مسیر شعر و داستان دور کرده، فضای مجازی است. شعرها و داستانها خلاصه وار و به سادگی در دسترس هستند. شما با خواندن یک پاراگراف متن خلاصه، از داستان یک کتاب پانصد صفحه ای خبردار می شوید. هر کسی سراغ آنها می رود تا خواندن و نوشتن.

چه توصیه ای برای نوجوان هایی که تازه پا در مسیر شعر نوشتن گذاشته اند دارید؟

خودتان را باور داشته باشید. در هر مرحله ای از نوشتن که هستید، مطالعه کنید و به تکنیک های شعری مسلط شوید. برای نوشتن، همیشه دنبال موضوعات خاص نباشید. برای شروع سرودن اجازه بدهید روحتان آزاد باشد و قوه تخیل تان تا جایی که می تواند پیش برود. منتظر سن خاصی هم نباشید.

صنعت چاپ

خدمت گوتنبرگ

پرینسا علی زاده



نوع دیگری از چاپ استفاده از هنر "چوبتراشی" بود، بدین صورت که طرح مورد نظر را ابتدا روی چوب می تراشیدند، سپس مهر تراشیده شده را در جوهر فرو کرده و روی سطح مورد نظر قرار می دادند تا طرح روی آن نقش ببندد.

بعد از آن قلم ابداع شد. وسیله ای با نوک تیز، که با آن تصاویری روی صفحات مسی حک میشد.

در قرن ۱۵، فردی آلمانی به نام "یوهانس گوتنبرگ" - پدر علم چاپ در دنیا - حروف قابل انتقال و نخستین دستگاه چاپ را اختراع کرد. او برای هر یک از حروف الفبا یک حرف جداگانه به کار برده بود. رفته رفته این دستگاه ساده پیشرفت کرد تا به دستگاه های امروزی رسید. قبل از آن کتاب ها به صورت دستی تکثیر می شدند. یعنی افرادی بودند که از روی کتاب ها رونویسی می کردند. به همین دلیل قیمت کتاب خیلی زیاد بود و افراد کمی می توانستند کتاب بخرند.

کاغذهایی که امروزه از آنها به راحتی استفاده می کنیم، دو هزار سال پیش توسط چینی ها اختراع شده است. این اختراع خیلی زود به ایران هم رسید به طوری که برای سالیان زیادی شهر "سمرقند" یکی از بزرگترین مراکز تولید و خرید و

تا به حال به این فکر کرده اید که اگر دانش چاپ کردن وجود نداشت علوم گذشتگان چگونه به ما انتقال می یافت؟ کتاب ها و کارت های شناسایی به چه شکل درمی آمدند؟ شاید پول هنوز هم مثل گذشته به شکل سکه های طلا و نقره بود و باید در کیسه با خود این طرف و آن طرف می بردیم! چون اسکناسی وجود نداشت.

بیایید باهم ببینیم گذشتگان ما چه مسیری را طی کرده اند تا ما بتوانیم اکنون به راحتی هر چیزی را که خواستیم چاپ کنیم:

چاپ های اولیه به صورت نقش دار کردن لوح های گلی با مهر های استوانه ای بود که ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ساکنان بین النهرین* از آن استفاده می کردند. در ایران نیز باستان شناسان مهرهایی از دوره هخامنشیان پیدا کرده اند که به عنوان مهرهای سلطنتی استفاده می شده است.



صنعت گران و هنرمندان این صنعت تجلیل کنیم و به یاد داشته باشیم که دنیای ما بدون این صنعت مهم، دنیایی پُر زحمت بود.

صنعت چاپ سرشار از هنر، خلاقیت و زیباییست. کار چاپ چه در صنعت و چه در هنر یکی از مشاغل پُرتقاضا می باشد.

در ادامه شما را با نوعی چاپ خانگی روی پارچه آشنا میکنیم تا طرح دلخواهتان را روی پارچه چاپ کرده و لذت ببرید.

مواد لازم : صفحه لینو - مُغار - رنگ

❶ در ابتدا باید از فروشگاههای لوازم هنری، ماکت سازی یا لوازم ساختمانی، نوعی کفپوش به نام لینو خریداری کنید.

❷ سپس طرح دلخواهتان را با خودکار روی آن طراحی کنید یا طرح مورد نظر را با کاربن بر روی لینو منتقل کنید.

❸ با استفاده از وسیله ای به نام مُغار باید طرحتان را حک کنید تا به صورت نقشبهرجسته روی مُهر ظاهر شود. (مواظب دست خود باشید. نوک مُغار تیز است).

❹ بعد از اتمام کنده کاری، مُهر شما برای چاپ آماده است. کافیت تا قسمت های برجسته را آغشته به رنگ آکرلیک کرده و روی پارچه مورد نظر قرار داده و فشار دهید.

فروش کاغذ شناخته می شد. تا قبل از این، ابتدا از پاپروس و بعد از پوست حیوانات به عنوان سطحی برای نوشتن استفاده می شده است.

در سال ۱۲۳۲ ه.ق، میرزا زین العابدین تبریزی ملقب به "پدر صنعت چاپ ایران" نخستین ماشین چاپ را از کشور روسیه وارد تبریز کرد. به این ترتیب اولین چاپخانه ایران در دوران صفویان تاسیس شد.

امروزه بسیاری از کارهای ما الکترونیکی شده است. به راحتی و بدون نیاز به چاپکردن می توانیم فایل نوشته ها، کتاب ها و عکس ها را به تعداد نامحدود برای دیگران ارسال کنیم. ولی هنوز هم صنعت چاپ در خیلی از موارد به کمک مان می آید. انواع کارت ویزیت، بروشور، بنر، بسته بندی کالاها، طرح های زیبا روی پارچه، اسناد مهم و خیلی موارد دیگر تنها گوشه ای از این صنعت بزرگ است.

انواع چاپ دو دسته است: یا دستی است و یا صنعتی. در نوع دستی نتیجه کار یک اثر هنری خواهد بود.

نتیجه چاپ صنعتی نیز تکثیر یکنواخت و مشابه نوشته ها و تصاویر است.

امروزه برای هر سطح و محصولی از روش های چاپی متفاوتی استفاده می شود. هر نوع چاپ دستگاه مخصوص به خود را دارد. موادی که با آنها چاپ انجام می شود در دستگاه های مختلف با هم متفاوت است.

با توجه به گستردگی صنعت چاپ و محصولات آن و نقش آن در زندگی ما، در سال ۱۳۸۲ روز ۱۱ شهریور به عنوان روز ملی صنعت چاپ نامگذاری شد و به مناسبت های تقویم سالانه اضافه شد. این روز برای اهالی صنعت چاپ اهمیت بسیاری دارد. روزی است که باید از تلاش کارگران،

*بین النهرین یا میان رودان یا میان دورود منطقه ای جغرافیایی است که در میان دو رود دجله و فرات جای گرفته است و بیشتر محدوده ی این منطقه در کشور عراق امروزی است.



جهانی‌پر از فداکاری

لیلا اسدی ✨

“

فداکاری در موجودات یکی از شگفتی‌های خلقت است که تنها به انسان تعلق ندارد و در حیوانات نیز بسیار مشاهده می‌شود. در ابتدا باید دانست منظور از فداکاری چیست؟ بسیاری فکر می‌کنند مفهوم فداکاری تنها در فدا کردن جان برای دیگران خلاصه می‌شود، اما اینگونه نیست. وقتی ما بیاموزیم که در بسیاری از مواقع از منفعت و سودی که به ما تعلق دارد بگذریم در واقع نوعی فداکاری کرده‌ایم و اصولاً این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که طرف مقابل ضعیف‌تر از ما و نیازمند این کمک باشد.

”





نمونه‌هایی از فداکاری حیوانات

مقایسه فداکاری انسان با حیوانات

نقطه تمایز مابین انسان‌ها و حیوانات در اندیشیدن و تفکر است. شاید ما در حیوانات نمونه‌هایی از فداکاری را ببینیم اما این فداکاری‌ها از غریزه ریشه می‌گیرد. در انسان‌ها نیز در بسیاری از موارد شاهد فداکاری‌های غریزی همچون مهر مادر به کودک هستیم. اما آنچه به فداکاری انسان رنگ و بوی دیگر می‌دهد، ریشه داشتن آن در تفکر و انتخاب است.

بسیاری در هنگام جنگ به میدان‌های نبرد رفتند و این تصمیم آنها از روی غریزه نبود بلکه عقل و منطق آنها در این تصمیم‌گیری دخیل بود. وقتی کسی با عقل تصمیم می‌گیرد جان و مال خود را فدای دیگران کند تا آنها در آسایش و رفاه بیشتری زندگی کنند اقدام به درجه بالایی از فداکاری یعنی ایثار کرده است.

تاریخ ما پر از افرادی است که از امکانات مالی و جانی خود گذشتند و جان خود را فدای میهن، ملت و آرمان‌هایشان کردند. شهادت واژه‌ای مانوس است که برای این افراد فداکار و از خود گذشته به کار می‌رود. این انتخاب آزادانه است و استفاده از اندیشه در این انتخابات سبب جدایی رفتارهای انسان‌ها از سایر موجودات زنده شده است. فداکاری در موجودات ریشه در شگفتی خلقت دارد که جهان را با تمام تمایزها زنده و پویا نگه داشته است.

بنابراین ما باید بیاموزیم در بسیاری از مواقع از خودمان برای آرمان‌های بزرگتر بگذریم و این فداکاری به معنای ظلم به خود و یا نادیده گرفتن آرزوها نیست بلکه نقطه رشد بشری برای جهت بخشیدن به یک آرمان است.

وقتی به پرندگان نگاه می‌کنیم می‌بینیم آنها تغذیه بچه‌های خود را در اولویی بالاتر از خود قرار می‌دهند همچنین آنها مدت زمان زیادی را صرف آموزش پرواز به کودکان خود می‌کنند و تمام آموخته‌های خود را خالصانه در اختیار آنها قرار می‌دهند.



این نوع فداکاری‌های حیوانات به حفاظت از حیوانات محدود نمی‌شود. سگ جانور وفاداری است که در بسیاری از خانه‌های روستایی وجود دارد. آنها تمام مدت از گله محافظت می‌کنند و در زمانی که احساس کنند جان صاحبشان در خطر است حاضرند سپر بالای او شوند.



در حشراتی مانند زنبور نیز شاهد این قبیل فداکاری‌ها هستیم به طوری که وقتی مهاجمی به کندو نزدیک می‌شود آنها به او حمله کرده و بعد از نیش زدن مهاجم، نیش آنها در بدن قربانی گیر می‌کند و سبب مرگ خود زنبور می‌شود. این عمل در واقع نوعی حفاظت از کندو که حریم شخصی و جامعه زنبورها به حساب می‌آید، است.



فداکاری در موجودات وحشی نیز قابل مشاهده است و بسیاری از حیوانات درنده نیز برای مرزهای خود مبارزه می‌کنند و در بسیاری از مواقع جان دوستان خود را نجات می‌دهند. پس می‌توان اعتراف کرد که این امر کاملاً ذاتی است که خدای مهربان در وجود تمامی موجودات خود قرار داده است تا به شگفتی‌های طبیعت افزوده باشد.

خبری که شبکه‌های اجتماعی را منفجر کرد

ایشارتا آخرین نفسی

عاطفه صدرپور

کتاب‌های ما پر از تلاش برای توضیح واژه‌های مثل ایثار، فداکاری، تعهد و از خود گذشتگی بوده و هست. یک جاهایی اما ما به اتفاقاتی بر می‌خوریم که معنای این واژه‌ها رو با تمام وجودمون لمس می‌کنیم. آخرین نمونه برای ثبت در تاریخ پر از ایثار و فداکاری این کشور تلاش یک معلم روی تخت بیمارستان و در شرایط سخت ابتلا به کرونا بود که دست از آموزش شاگردانش برنداشت. مریم اربابی معلم دبستان شاهد ریحانه شهرستان گرمه بود. این معلم با وجود بیماری و حضور در بخش مراقبت‌های ویژه و شرایط سخت تنفسی حتی در آخرین لحظات عمر گرانبهای خودش دست از تدریس به دانش‌آموزانش برنداشت.





معلم ایران؛ مریم اربابی، شما همه ایران را دبستان شاهدت بدان. شما و همه آنانی که غنیمت‌دان عرصه خدمت و تربیت هستید و تا پای جان بر عهده‌ی که بستند مانده‌اند و عالم ماده را پوچ انگاشته‌اند و توشه‌های ملکوتی بر دوش گرفته‌اند؛ لایق عزتی به عمق آینده‌اند تا روح را به نامتان و یادتان ثبت کنند.

شأن تبلیغی معلم با اخلاص در مسیر نشر اسلام ناب، به رسالتش منزلتی والا بخشیده؛ حال ۳۰۰ روز تا اتمام مأموریت یا ۳۰۰ ثانیه، شما مأموریت‌تان را ثانیه به ثانیه قدر دانستید و تلنگری شدید بر پیکر آحاد.»

مریم اربابی به عنوان یک الگوی ماندگار نه تنها برای مدرسه شاهد ریحانه و شهرستان گرمه و استان خراسان شمالی که برای همه‌ی ایران ابدی و ماندگار شد تا ما باورمان بشود که در سرزمین شهیدان و آزادگان همچنان عطر فداکاری و ایثار به مشام می‌رسد.

خیلی‌ها تصویر این معلم فداکار رو در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بازنشر دادند تا به این ترتیب یادآوری کنند که فداکاری نه مربوط به دوران انقلاب و دفاع مقدس بوده که در هر روز و چهار گوشه‌ی ایران عزیز در حال ثبت شدن است.

رضوان حکیم زاده معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش بعد از درگذشت این معلم بزرگ نوشته است: خبر درگذشت همکار گرانقدر سرکار خانم مریم اربابی آموزگار دبستان شاهد ریحانه شهرستان گرمه موجب تالم و تاثر فراوان شد.

تصویر این آموزگار فداکار که علی‌رغم بیماری سخت و در تخت بیمارستان با دغدغه‌ای فراوان پیگیر یادگیری دانش‌آموزانش بود نمایانگر فداکاری انسان‌های وارسته‌ای است که شکوه نام معلمی را معنا می‌بخشند.

جان باختن این دبیر مقطع دبستان باعث شد حجت الاسلام والمسلمین محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام این واقعه را تسلیت گفت و نوشت:

«این شریف ملت در طول و عرض تاریخش زیاد داغ دیده‌است ولی داغ خانم معلم این روزهایش که انگار هنوز آموزگاری می‌کند و درس معرفت می‌دهد؛ یکی از دلسوزترین آن‌ها است.





خواب خوب، حال خوب

حمیده حیدری

شاید اگر همه‌ی ما می‌دانستیم که خواب خوب شب، چقدر بر فردای ما تاثیر می‌گذارد یک ثانیه هم دیر به رخت‌خواب نمی‌رفتیم.

همه‌ی ما می‌دانیم که:

خواب، نیاز طبیعی ما برای رشد و بازیابی انرژی جسم و روح است. اما گاهی اوقات بعضی چیزها خواب ما را دچار مشکل می‌کند و خواب آرام را از ما می‌گیرد. اما نگران نباشید، راهکارهای بسیار مفیدی برایتان داریم تا شب‌ها خواب راحتی داشته باشید.

متخصصان می‌گویند خواب مفید شب برای کودکان پیش از بلوغ بهتر است ۱۱ ساعت باشد. و برای بزرگسالان ۸ ساعت کافیست.



چرا باید ۸ ساعت بخوابیم؟

تحقیقات مختلف جهانی نشان می‌دهد کسانی که کم یا زیاد می‌خوابند بیشتر در معرض بیماری هستند و طول عمرشان کوتاه‌تر است.

کم خواب به کسی گفته می‌شود که شب‌ها کمتر از ۶ ساعت بخوابد. و پُر خواب کسی است که اکثراً بیش از ۹ یا ۱۰ ساعت می‌خوابد.

آیا عوارض کم خوابی را می‌دانید؟

خواب نامناسب عوارض مختلفی دارد. برای مثال تحقیقات نشان داده است که کم خوابی با دیابت، فشار خون بالا، چاقی، و نارسایی‌های قلبی-عروقی مرتبط است.

همچنین واکنش روی افرادی که کمتر می‌خوابند، کمتر اثر می‌کند. پروفسور "درک یاندیک" از مرکز مطالعات خواب معتقد است بعضی‌ها در طول هفته کمتر می‌خوابند و آخر هفته‌ها جبران می‌کنند، در نتیجه میانگین ساعت خوابشان بالا می‌آید، اما احساس کمبود خوابشان رفع نمی‌شود.

پس در نتیجه اگر دانش‌آموزی ساعت ۱۲ شب به رختخواب برود و ۶ صبح برای رفتن به مدرسه بیدار شود و سعی کند آخر هفته‌ها کمبود خوابش را جبران کند، باز هم همیشه احساس خستگی و خواب‌آلودگی خواهد کرد.

پس چگونه خواب مناسب داشته باشیم؟

۱. از چرت زدن زیاد در طول روز خودداری کنید: زیرا خواب شب را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

۲. رژیم غذایی مناسب: عادات‌های غذایی ما تاثیر مستقیم بر کیفیت خواب و درمان بی‌خوابی دارد. بهتر است غذای خود را سه ساعت قبل از خواب میل کنید. کم یا زیاد خوردن غذا بر عملکرد طبیعی بدن تاثیر می‌گذارد و با ایجاد استرس، باعث بد خوابی می‌شود.

۳. محیط خواب: اتاق‌های تاریک هورمون ملاتونین (هورمون ضروری برای خواب) را تحریک می‌کنند که موجب خواب‌آلودگی می‌شود. برای پنجره‌ها از پرده‌های سنگین و ضخیم استفاده کنید و تمام دستگاه‌های نوری را خاموش کنید.

۴. دمای مناسب را رعایت کنید: دمای اتاق خواب باید متعادل باشد، سرد یا خیلی گرم بودن باعث بد خوابی می‌شود. دمای مناسب اتاق خواب دمای ۱۸ تا ۲۲ درجه سلسیوس است.

۵. با گوشی موبایل به رختخواب نرویم: نور آبی رنگی که از صفحه‌ی موبایل به چشم ما می‌رسد تاثیرات مخرب روی مغز ما می‌گذارد و یادگیری را کاهش می‌دهد و خواب آرام را از ما می‌گیرد.

پنج پیشنهاد (بردی مهم):

* برنامه‌ی درسی خود را طوری مدیریت کنید که بتوانید مابین ساعت ۱۰-۱۱ شب به رختخواب بروید.

* برای درس خواندن شب بیدار ماندن را انتخاب نکنید. اگر مجبورید، می‌توانید صبح زود بیدار شوید. بهتر است ساعت ۱۱ شب به رختخواب بروید و ۴ صبح بیدار شوید. بنابر گفته متخصصان حدود ۱۱ شب تا ۴ صبح برخی هورمون‌هایی که برای سلامت بدن بسیار ضروری هستند در خواب ترشح می‌شوند. این ساعت طلایی برای از بین بردن مواد سمی بدن ضروری است.

* برنامه‌ای برای ساعت خوابتان در نظر بگیرید و همیشه در ساعت مقرر به رختخواب بروید.

کربلای سینه زنهائی حسن با قاسم است
ذکر کاشی های باب المجتبی یا قاسم است



بچه‌های هیئت حضرت قاسم (ع)

گردد آوری: شکیلانقی اوغلی

تقریباً همه نوجوانان شهر کوچک آلنی یکبار راهشان به هیئت «حضرت قاسم (ع)» افتاده. تعدادشان را دقیق نمی‌شود تخمین زد. در هر چهار مسجد شهر هم فعالیت می‌کنند. هیئت، از سال هشتاد و هشت شروع به کار کرده و نوجوان‌های آن زمان، هنوز هم با هیئت در ارتباط‌اند. آن قدر جو بینشان صمیمی است که سه سال پیش ناخودآگاه کنار ایستگاه‌های صلواتی‌شان ایستادم و اکنون هر سال سراغشان را می‌گیرم. شانزده سال، میانگین سن اعضا است. هفته‌خوانی دارند. در اعیاد و وفات امامان، ایام فاطمیه و رحلت پیامبر اکرم (ص) فعالیت می‌کنند. برای تقسیم کارها بین خودشان سرگروه دارند.



بچه‌ها صحنه‌های تعزیه ماه محرم را خودشان درست می‌کنند. دور هم جمع می‌شوند و مراسم‌شان دیدنی است. بعضی‌ها سبزه‌پوش می‌شوند، بعضی‌ها قرمز. کنار هم قطعه‌های شعر مانند بین دیالوگ‌ها را می‌خوانند. قرمزپوش‌ها حین اجرای تعزیه می‌گیرند. تمام اتفاقات در محیط باز روبه‌روی مسجد اتفاق می‌افتد.

در دسته‌های عزاداری‌شان پبل‌های بزرگ و کوچک دارند. در صف‌های منظم پشت سر هم راه می‌روند و سینه می‌زنند. از مقابل مساجد رد می‌شوند و عزاداری می‌کنند.

در ایام کرونا، به جای غذا و چای، ماسک و مواد ضدعفونی کننده پخش می‌کنند. جمع شدن در مسجد و برنامه‌ریزی برای کارها و اجرای مراسمات؛ جایش را به محیط‌های بزرگ و روباز، به همراه ماسک و مواد ضدعفونی کننده داده تا بچه‌ها دست از تلاش در راه خدا برندارند و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی گرفتار بیماری هم نشوند.

کوچکترها با دیدن آن همه شور و شوق چنان هیجان‌زده می‌شوند که در نخستین روز از نوجوانی‌شان سر از هیئت حضرت قاسم در می‌آورند.



بچه‌ها جلوی چادرهای کوچک و بزرگ کنار خیابان می‌ایستند. با هیجان از سمتی به سمت دیگر می‌روند. گروهی جای می‌ریزند. گروهی در دیگ‌های بزرگ شربت هم می‌زنند. تعدادی از بچه‌ها افراد و ماشین‌ها را سمت تکیه هدایت می‌کنند. آش می‌پزند و ساندویچ آماده می‌کنند. بین مساجد رفت و آمد می‌کنند و کارهای مسجد را انجام می‌دهند. نه تنها در مسجد بلکه آنها با هر گروه خیرخواهی که برای مردم و در راه رضای خدا کار می‌کند همکاری می‌کنند.

در هر مناسبتی، هر کدام از بچه‌ها گوشه‌ای از کار را می‌گیرد. البته اعضای اصلی بار زحمات بیشتری را به دوش می‌کشند.

محمد، مهدی و محسن؛ بچه‌هایی هستند که بیشتر زحمات کار بر گردنشان است. برای اینکه نوجوانان علاقه‌مند به هیئت شوند در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند. مدیر کانال‌ها و صفحات مجازی هیئت، رضا حیدرزاده، به تمامی سوالات پاسخ داد.

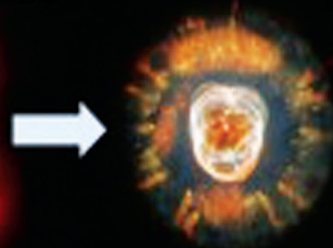
اکثر بچه‌های هیئت محصل هستند. کارهای خیرخواهانه مثل کمک به افراد نیازمند را، همراه درس و مشقشان با جان و دل انجام می‌دهند.

در آمد چندانی ندارند. چند نفر از بچه‌های هیئت کار می‌کنند. بقیه هزینه‌ها از نذورات مردم پرداخت می‌شود.



چرخه حیات ستارگان

غول سرخ



سحابی سیاره‌نما



کوتوله سفید



سیاه چاله

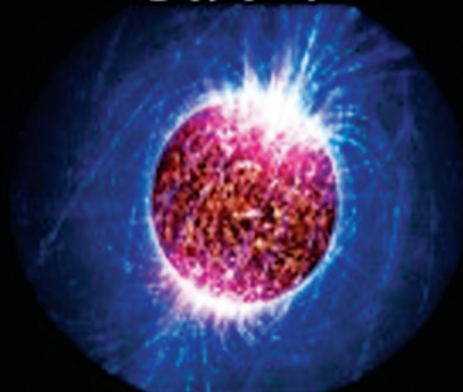
ابرغول سرخ



ابرنواختر

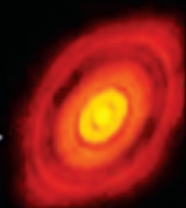


ستاره نوترونی

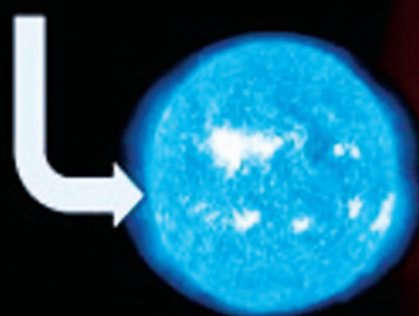


ستاره رشته اصلی با جرم پائین
مثل خورشید

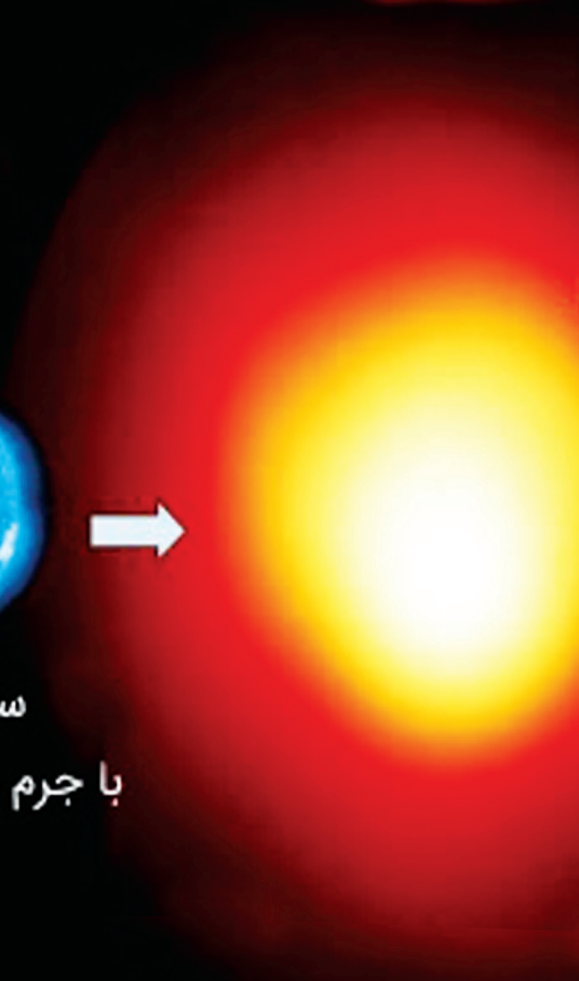
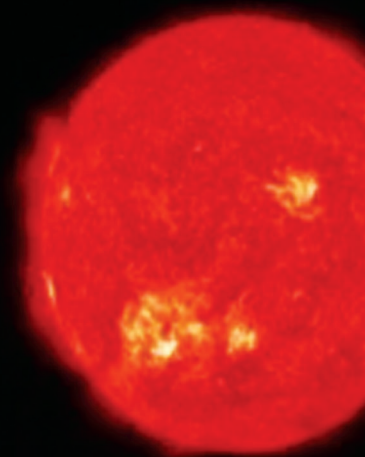
سحابی ستاره‌زا



پیش‌ستاره



ستاره رشته اصلی
با جرم بالا (مثل رجل الجبار)

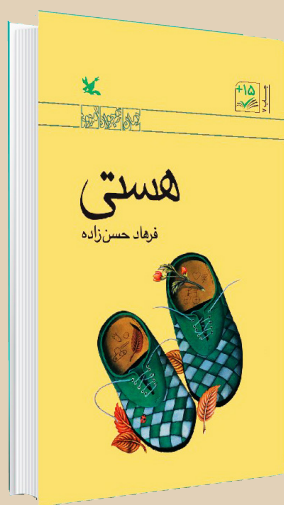


اولین خاطره

مهدی محمدی ✨

یک کلاس پنجمی جایزه دادند.
 مامان اشک روی صورتم را پاک کرد.
 «خیلی دلم میخواست مال من باشه مامان و خاطراتم
 را در آن بنویسم.»
 مامان لبخند زد و گفت: «عزیز دل مامان فدای
 سرت. اشکالی ندارد گریه نکن. حالا هم بیا برویم
 حیاط برای آش نذری کمک کن. دوستت کیمیا هم
 آمده. پاشو برویم.»
 مامان خسته به نظر می‌رسید. حق هم داشت. هم
 مهمان داشتیم و باید آش نذری درست می‌کردیم،

وارد حیاط که شدم سلام دادم و یکراست دویدم
 سمت اتاقم. مامان پشت سرم آمد کنارم روی تخت
 نشست. دستی به موهایم کشید.
 - شادی، دخترم چی شده؟ چرا ناراحتی؟
 چشمانم از اشک پر شدند.
 «چی شده مامان جان؟ به من بگو»
 - «مامان امروز سر صف به شاگرد اولا جایزه دادن.
 اون دفتر سیمی توی قفسه سالن که برات تعریفش
 را کرده بودم یادت هست مامان؟ همان که گفته
 بودم خیلی دوست دارم مال من شود. همان را به



رمان هستی

نوشته‌ی فرهاد حسن زاده

هستی، داستان زندگی دختر نوجوانی که آرزو دارد وقتی بزرگ شد راننده‌ی تریلی شود را روایت می‌کند.

هستی بر عکس سایر دختران، علاقه‌ای به عروسک‌بازی ندارد. دختری پر از هیجان که عاشق فوتبال بازی کردن با پسرهای محله و موتورسواری با دایی جمشید است. دختری که بدنبال خواسته‌هایش می‌گردد. حتی در دل جنگ.

داستان از آنجایی شروع می‌شود که دست هستی در بازی فوتبال می‌شکند و پدرش به جای اینکه برای کار بر روی کشتی آروند راهی ژاپن شود، همراه هستی به بیمارستان می‌رود. پدر هستی رابطه‌ی خوبی با دختر نوجوانش ندارد و ادبار صدایش می‌زند. هستی به قدری از رفتار پدرش ناراحت می‌شود که فکر می‌کند فرزند واقعی آنها نیست. مادر هستی در آستانه‌ی به دنیا آوردن فرزند دیگری است. زمزمه‌ی جنگ همه جا را فرا می‌گیرد. خانواده‌ی هستی بعد از بمباران خانه‌شان به خانه‌ی بی‌بی پناه می‌برند و با افزایش فشار جنگ، راهی ماهشهر می‌شوند. هستی در ماهشهر با لیلا - که او هم جنگ‌زده - است آشنا می‌شود و از او جودو یاد می‌گیرد. هستی دور از چشم خانواده و با کمک برادر لیلا موتور را تعمیر می‌کند و راهی آبادان می‌شود...

این رمان با کسب نظر اکثریت، برترین رمان کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۰ شناخته شد.

هم لگدهایی که داداش کوچولو به شکمش می‌زد را باید تحمل می‌کرد. با اینکه فکرم هنوز پیش آن دفتر سیمی بود ولی باید به مامانم کمک می‌کردم. دست مامان را گرفتم و با هم به حیاط رفتیم. کیمیا گوشه‌ای از حیاط، منتظرم نشسته بود. با هم در پاک کردن حبوبات کمک کردیم، داخل کاسه و لیوان‌ها را دستمال کشیدیم، قاشق‌ها را آب کشیدیم و خشک کردیم. دسته‌های سبزی را درون پیش دستی‌ها گذاشتیم و با تربچه تزیینش کردیم. ایوان را جارو کردیم و سفره‌ها را انداختیم. نان و پنیر و سبزی‌ها را توی سفره چیدیم.

مامان هم چادرش را برداشت و برای خرید کشک، از خانه بیرون رفت. مامان کیمیا آش‌ها را می‌ریخت و ما هم توی کوچه، بین همسایه‌ها پخش می‌کردیم. حسابی خسته شدیم. بعد از رفتن مهمان‌ها، حیاط و ایوان را مرتب کردم. کارم که تمام شد، ظرف‌ها را توی آشپزخانه گذاشتم و به سمت اتاق رفتم. خیلی خسته بودم. لامپ را روشن کردم. ناگهان چشمم به دفتر روی تخت افتاد. باورم نمی‌شد! برداشتم و نگاهش کردم. طرح و رنگش دقیقاً همانی بود که می‌خواستم. دفتر را بغل کردم و به سمت مامان دویدم.

- وای مامان! اینو برای من خریدی؟!

محکم بغلش کردم.

- خیلی خوشحالم... مامان نمی‌دونم چطوری باید ازت تشکر کنم ... خیلی دوست دارم مامان.

- عزیز دل مامان! تو خیلی دختر خوبی هستی، درست است که دفتر سیمی خوشگلی که دوست داشتی برای تو نشد، ولی امروز توی کارها خیلی به من کمک کردی و این جایزه من به توست. کمک کردن به مادر در کارهای خانه چیزی کم از شاگرد اول شدن ندارد. تو بهترین دختری هستی که هر مادری آرزو دارد.

از اینکه مامان از من راضی بود خیلی خوشحال بودم. دویدم توی اتاق و خاطره امروز را در صفحه اول آن نوشتم.

تولد

۱۳۴۵

فروردین

۲

شهید

عبدالحمید گل پیجی



عبدالحمید دانش آموز سوم راهنمایی بود که بالاخره از سوی بسیج به جبهه اعزام شد

تولد

در خانواده‌ای متوسط در شهر دزفول به دنیا آمد. پدرش رحیم نام داشت و بنایی می‌کرد و مادرش طیبه نام داشت.

او در عملیات **طریق‌القدس** آزادسازی شهر بستان شرکت کرد که در آن عملیات دچار موج انفجار گردید. در مراحل مختلف در عملیات **رمضان** نیز شرکت کرد تا اینکه بالاخره ۳۱ تیر ۱۳۶۱ در پاسگاه زید عراق بر اثر اصابت ترکش به سر و دست، **شهید** شد و بنا به وصیت خودش در کنار دایی‌اش حمیدرضا بصیرزاده به خاک سپرده شد.



با سن کمی که داشت با شرکت در جلسات سخنرانی، تظاهرات، نصب کلیشه بر روی دیوارها، نوشتن سرود و شعار، علاقه‌اش را به انقلاب و پیروزی آن نشان داد.

همزمان با پیام امام خمینی (ره) در مورد ارتش بیست میلیونی و بسیج همگانی، آموزش‌های نظامی را در مسجد جمشیدآباد فرا گرفت. به دلیل سن پایین او، مسئولین به او اجازه حضور در جبهه نمی‌دادند. ولی او با چشمانی پر اشک برای جهاد فی‌سبیل‌الله به مسئولین التماس می‌کرد.

در عملیات **فتح‌المبین** همانند سایر برادران به جبهه اعزام شد. در این عملیات ترکش مین به بازویش اصابت کرد و او را به بیمارستان دزفول منتقل کردند. در عملیات بیت‌المقدس و در فتح شهر خرمشهر نیز شرکت نمود. او همیشه خطاب به شهیدان حمیدرضا بصیرزاده و نجف‌آبادی می‌گفت: «شما مورد قبول خدا واقع شدید و من ماندم. خوشا به حالتان از من جلو زدید. مرحبا به شما»

تولد

۱۳۵۰

شهریور

۷

شهید

توکل زینی‌وند



تحصیلات خود را تا سال دوم راهنمایی ادامه داد و در دوران دفاع مقدس از طریق بسیج دانش‌آموزی راهی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شد.

مزار این شهید گرانقدر در گلزار شهدای روستای ارمو شهرستان دره‌شهر قرار دارد.



تولد

فرزند محمد شریف ۷ شهریور ۱۳۵۰ در روستای گرز لنگر شهرستان دره‌شهر به دنیا آمد.

در وصیت‌نامه‌اش خطاب به مادرش می‌گوید: مادر می‌دانم که از مرگ من پریشان خواهید شد ولی این را بدان که شهیدان زنده‌اند و نزد خداوند متعال روزی می‌گیرند. امیدوارم خداوند متعال مرا در زمره شهدا قرار دهد.

فرازی از وصیت‌نامه

انسان یک روز به دنیا می‌آید و روزی هم از دنیا می‌رود و تنها کردارها و اعمالش برجا خواهند ماند پس مرگ سرنوشت ما می‌باشد و چه بهتر که انسان در راه هدفش کشته شود. از مرگ نگران نباشید زیرا نزد خداوند متعال زنده هستیم و روزی می‌گیرم فقط جسم من از میان شماها رفته برایم سیاه نباشید.

در دوران دفاع مقدس از طریق بسیج دانش‌آموزی راهی جبهه‌های نبرد با دشمن متجاوز یعنی شد این شهید نوجوان پس از رشادتهای فراوان سرانجام در بیست و پنجمین روز از شهریور ماه سال ۱۳۶۴ در منطقه عملیاتی چنگوله مهران از ناحیه سر و دست مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و به شهادت رسید.

راهکار

کلاس ایده آل در خانه

سید محمود ساداتی ✨



در صورت غیرحضوری (یا نیمه حضوری) شدن مدارس در سال تحصیلی، لازم است تا شرایط خانه طوری آماده شود که دانش آموزان عزیز بتوانند با خیال راحت و در بهترین شرایط درس های خود را یاد بگیرند. در ادامه چند نکته اساسی که به نزدیک شدن شرایط خانه به یک کلاس درس مناسب کمک می کند، ارائه شده است. به نوجوانان عزیز توصیه می شود این مطالب را به همراه یکی از والدین خود مطالعه کنند.

۱. تجهیزات تدریس از راه دور: وسیله الکترونیکی (گوشی هوشمند، لپتاپ، کامپیوتر یا تبلت) و اینترنت با حجم و سرعت مناسب از لوازم ضروری هستند. فرزندان نباید استرس عدم وجود تجهیزات تدریس را داشته باشد.

۲. لباس مناسب: پوشیدن لباس مدرسه در ساعات آموزش جهت تداعی بهتر محیط کلاس توصیه می شود. حاضر شدن بر سر کلاسهای درس با لباس راحتی یا لباس خواب باعث خواب آلودگی و کسل شدن در طول زمان آموزش می شود.

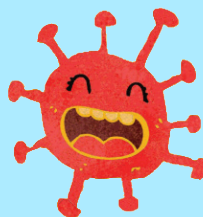
۳. حالت نشستن مناسب: بهترین حالت برای نشستن به هنگام درس خواندن، همان حالتی است که دانش آموزان سرکلاس می نشینند (روی صندلی بنشینند و تکیه دهند). در واقع بهتر است که اندازه میز، صندلی و فاصله ی آنها با یکدیگر به گونه ای باشد که در

طولانی مدت موجب گردن درد نشود. دراز کشیدن و لم دادن وضعیت مناسبی برای تمرکز و یادگیری درس ها نیست.

۴. محل نگهداری وسایل: بهتر است برای نظم و ترتیب دادن وسایل مدرسه، قفسه کمد یا جایی که دانش آموز بتواند وسایل خود را آنجا بگذارد، به آنها اختصاص دهید. در واقع، بهتر است خودتان یا با مشورت با دانش آموز فقط مکان این وسایل را مشخص کنید و مرتب سازی، نظم و ترتیب دادن به وسایل را به عهده خود دانش آموز بگذارید.

۵. دقایقی برای استراحت: بهتر است در بین کلاس های درس روزانه و انجام تکالیف، دقیقا همانند زنگ های تفریح مدرسه، ساعاتی را برای استراحت و تنفس اختصاص دهید. در این زنگ های تفریح دانش آموز باید تحرک فیزیکی داشته باشد و تغذیه مقوی بخورد. توصیه می شود والدین محترم در این زنگ های تفریح با فرزند خود همکاری بیشتری داشته باشند و اجازه دهند دانش آموز احساس یک زنگ تفریح واقعی را داشته باشد.

۶. شخصی سازی موارد: بهتر است والدین اجازه دهند دانش آموز درس نامه ها و جزوات را آنطور که می خواهد برای خود شخصی سازی کند. در واقع تنها در این شرایط است که او می تواند نظمی که بر افکار خود دارد را بر محیط بیرونی نیز اعمال کند. اگر در ابتدا کمی در مسیر درست حرکت نکردند، با بیانی نرم و دوستانه آنها را راهنمایی کنید و اجازه دهید دانش آموز خودش آزمون و خطا کند و روش مناسب خودش را پیدا کند.





نمایشنامه دو نفره

«کمی بیشتر»

✦ توحید سیف

اولی: اسم رمزمون چی شد؟

دومی: اسم رمز؟ اسم رمز دیگه چیه؟

اولی: اسم رمز واژه‌ایه که برای پروژه‌مون انتخاب می‌کنیم، ما از این به بعد یه اسم رمز داریم
دومی: و یه پروژه؟

اولی: بله، یه پروژه‌ی حیاتی، یه پروژه در حد اعلا، یه چیزی برای بقا، زنده موندن

دومی: تو چت شده امروز؟ همه‌ش داری حرفای گنده می‌زنی، این کلمات چیه ازشون استفاده می‌کنی؟ (ادای اولی را در می‌آورد)
اسم رمز! پروژه! در حد اعلا! بقا!

اولی: تو قبول داری که برهه کنونی یه برهه‌ی خاص و حساسیه؟

دومی: برهه! بله خب توو موقعیت حساسی هستیم، با این وضعیت (به مایع ضدعفونی کننده‌ی توی دستش و ماسکش اشاره می‌کند)

اولی: (نور چراغ قوه را به جایی از صحنه می‌اندازد) آهان اونجا

دومی شروع می‌کند به ضدعفونی کردن

اولی: کمی بیشتر

دومی: (چپ چپ نگاه می‌کند) بله قربان، اطاعت می‌شه

اولی: خودش، کمی بیشتر

دومی: چقد بیشتر؟ رنگ و روش رفت دیگه

اولی: نه خودش

دو نفر با ماسک و دستکش، با ترس و لرز، در حالی که انگار نگران هستند روی صحنه این طرف و آن طرف را نگاه می‌کنند، صحنه تاریک روشن است، یکی از آنها چراغ قوه‌ای به دست دارد و دیگری دستمال و مایع ضدعفونی کننده، آنها همزمان با پاییدن اطراف شروع به صحبت می‌کنند.

قبلا، وقتی که کرونا نبود هم همه جا رو تمیز می کردی؟
دومی: آره، ولی کمی کمتر!

اولی: دیدی، راهش همینه، حالا باید «کمی بیشتر» مواظب باشیم تا این ویروس لعنتی دست از سرمون برداره
دومی: راست می گی ها! کمی بیشتر! مثلا کمی بیشتر دستامونو بشوریم

اولی: آره، کمی بیشتر مراقب سلامتی مون و تغذیه مون باشیم
دومی: کمی بیشتر دستگیره ها و وسایل مون رو ضدعفونی کنیم

اولی: یا حتی کمی بیشتر به فکر بقیه باشیم، و به خاطر اونا هم که شده ماسک بزنی و موقع عطسه جلوی دهنمونو بگیریم

دومی: ایول! چه فکر بکری، با «کمی بیشتر» می تونیم کرونارو شکست بدیم!

اولی: (با غرور) آره، پس اسم رمزون چی شد؟

دومی: کمی بیشتر!

هر دو باهم و بلند تکرار می کنند: کمی بیشتر!

«پایان»

دومی: چی خودشه؟

اولی: کمی بیشتر

دومی: چی کمی بیشتر

اولی: ای بابا، اسم رمز، اسم رمزمون «کمی بیشتره»

دومی: کمی بیشتر؟

اولی: آره دیگه، کمی بیشتر!

دومی: خب چرا کمی بیشتر؟
کمی کمتر چرا نه؟!

اولی: الان تو چیکار کردی؟

دومی: کی؟

اولی: همین الان که اونجا داشتی کمی بیشتر تلاش می کردی؟

دومی: خب داشتم اونجارو ضدعفونی می کردم که مبادا ویروس کرونا بمونه و خودمون رو آلوده کنه

اولی: خب، حالا سوال اینه که



گفتگو با خانم مژگان ملکی کارشناس ارشد روانشناسی :

تفاوت

استرس و اضطراب را بشناس!

میثم علمی ✨



بارها پیش آمده است که بی دلیل در معرض احساسات منفی قرار می گیریم. خودمان هم نمی دانیم چرا دچار طپش قلب شده ایم، چرا با زحمت به خواب می رویم. چرا در انجام کارها تمرکز نداریم. اگر از ما بپرسند چرا؟ خودمان هم پاسخ درستی برای آن نداریم. اما باید برای رسیدن به آرامش و قرار گرفتن در یک شرایط نرمال باید این مساله را حل کنیم. چرا که با ادامه یافتن این شرایط ممکن است نتوانیم در مسیر صحیح زندگی قرار بگیریم. برای همین در این شماره به سراغ خانم مژگان ملکی کارشناس ارشد روانشناسی رفته ایم تا به سوال های ما در این زمینه پاسخ بگوید و به ما راه حلی نشان دهد که چطور این شرایط را مدیریت کنیم.





؟ گاهی وقتها نوجوان دچار یک سری احساسات منفی می‌شود، چه عواملی باعث این اضطراب و استرس می‌شود؟ اول باید ما این مساله را روشن کنیم که نوجوان دچار استرس شده یا اضطراب.

؟ یعنی استرس و اضطراب با هم فرق دارند؟

بله. درست است که هر دو احساسات منفی هستند که فرد در هر سنی دچارش می‌شود اما بین این دو فرق است. البته مرز بسیار باریکی دارند.

؟ پس لطفا شما فرق این دو مساله را بفرمایید؟

برای روشن شدن این مساله باید اضطراب و استرس را تعریف کنیم. اضطراب ناشی از ترس است، ترس از یک موقعیت ناشناخته که تا یک مقداری طبیعی است اما اگر از یک میزان بیشتر شود عملکرد فرد را تحت شعاع قرار می‌دهد. اما استرس واکنشی است به مشکلات و فشارها. استرس یک احساس موقتی است اما اضطراب یک احساس طولانی است که ریشه در استرس دارد.

؟ یعنی اضطراب را طبقه‌بندی می‌کنند؟

بله. بنا به موقعیت و واکنش‌ها می‌توان آن را دسته‌بندی کرد.

اضطراب ناشی از قرار گرفتن در اجتماع (مثل مهمانی‌های شلوغ، نشست‌ها)

اضطراب عمومی که فرد در طول روز با آن مواجه است مثل نگرانی از تصادف، سلامتی و...

اضطراب از فضاهای تنگ و تاریک که در روانشناسی به آن فوبیا می‌گویند مثل ترس از ارتفاع و...

؟ اضطراب نوجوانان ناشی از چیست؟

بین دلایلی که موجب اضطراب یک فرد بزرگسال می‌شود با یک نوجوان فرق هست. اما عمده عوامل اضطراب نوجوانان ناشی از توقع والدین از بچه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، اخبار ناخوش آیند، بلوغ، افسردگی و رشد مغز است که می‌توانند در اضطراب نوجوان دخیل باشند.

؟ به چه صورت دیده می‌شود؟

به سه صورت رفتاری، جسمی و روانی بروز می‌کند. نگرانی و بی‌قراری، گوشه‌گیری، دردهای عضلانی، بی‌خوابی یا کم‌خوابی، عدم تمرکز و به آسانی خشمگین شدن می‌تواند از علائم اضطراب باشد.

؟ پس شما راه حلی ندارید؟

ببینید اگر مساله به مرحله حاد رسیده باشد باید به متخصص مراجعه شود و متخصص با توجه به شرح حال برای درمان اقدام کند. اما بهتر است ما قبل از رسیدن به مرحله حاد بتوانیم با کمک اولیا و مشاوران مدرسه مساله را حل کنیم.

؟ پیشنهاد دیگری هم دارید؟

برای اینکه کمتر دچار اضطراب شوید، سعی کنید عوامل استرس‌زا را که بسترساز اضطراب هستند را کمتر کنید. عوامل استرس‌زا مشخص هستند پس به راحتی می‌توان عوامل را شناسایی کرد و فشار ناشی از آن را کمتر کرد. شما می‌دانید هر آزمونی باعث استرس می‌شود پس پیش از آزمون خود را آماده کنید، برای امتحان درس بخوانید. برای اخذ گواهینامه فنی تمرین کنید و... هر چقدر استرس کمتر شود، اضطراب هم کمتر است.

اما پیشنهاد می‌کنم برای خود یک برنامه منظم طراحی کنید و بر اساس برنامه اهداف خود را پیش ببرید. تا دیر وقت در فضای مجازی مشغول گشت و بازی نباشید و خواب کافی داشته باشید.

حتما ورزش کنید؛ حتی اگر شده پیاده‌روی. گپ و گفت با دوستان، نگهداری از گل و گیاه یا داشتن آکواریوم و مراقبت از یک حیوان خانگی می‌تواند به شما کمک کند.

؟ حرف آخر؟

مراقب خودتان و این روزهای قشنگ و خاطره‌ساز باشید.



سیدهاشم علوی



سعدی، شاعر شیرین سخن شیرازی می‌گوید: بسیار سفر باید تا پخته شود خامی، مهمتر از توصیه سعدی، خداوند در آیات مختلف ما را به سفر توصیه کرده است «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ...» و در هر آیه دلایل مختلفی را برای هدف از سفر عنوان کرده است. خداوند می‌گوید: نگاه کن، از زیبایی‌ها لذت ببر، از طبیعت از بناها و آثار تاریخی، گاهی برای ما این امکان وجود ندارد که به دور دست‌ها سفر کنیم و با کشورها و فرهنگ و تاریخ و تمدن آن‌ها آشنا شویم برای همین تصمیم گرفتیم با شما به سفر برویم و همسایگان خود را بهتر بشناسیم. در این شماره از مجله شاهد نوجوان با شما به پاکستان سفر می‌کنیم. کشوری که اشتراکاتی مانند دین و زبان و برخی آداب و رسوم با هم داریم.

سفر به پاکستان



جغرافیا و طبیعت



دره سوات

دره Swat یکی از زیباترین و درخشان ترین دره ها در منطقه پاکستان است. در پاکستان دره سوات به عنوان سوئیس پاکستان نامگذاری شده است.



معدن نمک کپیوره

معدن نمک در منطقه کپیوره از زمان اسکندر مقدونی در دوران جنگ باراجه پورس، توسط اسبهای نظامیان کشف شد که از سنگهای نمک استفاده می کردند.



قلعه رانی کوت

قلعه رانی کوت بزرگترین قلعه جهان است که حدود ۲۶ کیلومتر است. این یک قلعه تاریخی است که در استان سند پاکستان واقع شده است. قلعه رانی کوت نیز به عنوان "دیوار بزرگ سند" شناخته می شود.

آب و هوای متفاوت در پاکستان باعث می شود تا از گونه های مختلف حیوانات و پرندگان وحشی برخوردار باشد. پوشش گیاهی این کشور هم متفاوت است، از درخت های سوزنی برگ مانند کاج و سرو در شمال تا درخت های برگ پهن در رشته کوه های سلیمان در جنوب. تپه های غربی این کشور دارای سرو کوهی و علف های خشن و گیاهان خاردار هستند. گونه های جانوری این کشور هم شامل انواع حیوانات مانند تمساح، شاهین، قرقی، کفتار و بسیاری دیگر از موجودات است. از خرابه های تمدن باستانی گرفته تا بخش های تپه های هیمالیا، همه ساله جهانگردانی را به خود جذب می کنند. پاکستان چندین رشته کوه با ارتفاع بیش از ۷۰۰۰ متر دارد که ماجراجویان و کوهنوردانی را از سراسر دنیا به خود جذب می کند. قسمت های شمالی پاکستان دژها و برجها و دیگر آثار معماری کهن و همچنین دره هونزا و دره های چیترال را دارا است. شهر لاهور هم دارای نمونه های بسیاری از معماری مغول مانند مسجد بدشاهی، باغ های شالیمار (لاهور)، مقبره جهانگیر و دژ لاهور است. هر چند پاکستان از جاذبه های متنوع گردشگری بهره می برد، ولی در سال های گذشته، بخش اعظم گردشگران این کشور، گردشگران زمستانی بودند که برای اسکی و صعود به مرتفع ترین کوه های جهان به این کشور سفر کرده اند.

پارک ملی دئوسای (Deosai National Park)

این پارک ملی با نام «سرزمین غولها» شناخته شده است. فضایی که در فصل بهار سرسبز و تماشایی می شود و با وجود کوه های برفی که پشت آن قرار گرفته است منظره ای رویایی بوجود می آورد. چه کسی باور می کند چنین صحنه زیبایی را در پاکستان خواهد دید. این پارک ملی همچنین حیات وحش متنوعی نیز دارد از روباه قرمز تبتی گرفته تا موش خرماهای طلایی.



مسجد بادشاهی لاهور (Badshahi Mosque)



مسجد بادشاهی یا پادشاهی از مساجد تاریخی پاکستان در شهر لاهور قرار گرفته است. مسجد بادشاهی یادگاری از معماری دوره گورکانیان هند است که بنای آن با آجرهای کوره ای ساخته شده و از روکشی به رنگ قرمز و مرمر در آن استفاده شده است. در تزیینات داخلی و بر روی دیوارهای مسجد بادشاهی، منبت کاری های ظریف، گچ بری و حکاکی هایی انجام شده که شکوه و زیبایی این مسجد را دو چندان کرده است.

قائد اعظم

سیدهاشم علوی



وی همچنان فعالیت‌های سیاسی خود را ادامه داد و عضو کنگره ملی هند شد و با حضور در نشست‌های مختلف توانست به عنوان نماینده شورای مسلمانان بمبئی در شورای قانون‌گذاری هند انتخاب شود. در ۱۹۱۴م وی در رأس هیئت نمایندگی کنگره عازم انگلستان شد و پس از بازگشت، چند سالی برای ایجاد حسن تفاهم و همکاری بین حزب مسلم‌لیگ و کنگره کوشش کرد.

او در سال ۱۹۳۵م به اصرار و تشویق اقبال لاهوری و لیاقت علی‌خان، به هند بازگشت و رهبری حزب مسلم‌لیگ را، که دچار ضعف و اختلافات درونی شده بود، بر عهده گرفت. اقبال ۲۱ ژوئن ۱۹۳۷ در نامه‌ای، جناح را تنها مصداق رهبری مسلمانان شبه‌قاره خواند. نظریه دو ملت در قالب «قطعنامه پاکستان» ۲۳ مارس ۱۹۴۰م در نشست مسلم‌لیگ به تصویب رسید. استقلال پاکستان:

جناح به برنامه خود برای بازسازی تشکیلات و گسترش پایگاه مردمی حزب مسلم‌لیگ در میان مسلمانان شبه قاره ادامه داد و حزب را به جایگاهی رساند که در انتخابات دسامبر ۱۹۴۵ - ژانویه ۱۹۴۶ تقریباً همه کرسی‌های مسلمانان را به دست آورد. زمان کوتاه ریاست و اقتدار وی در دولت پاکستان ۱۵ اوت ۱۹۴۷ - ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸م صرف نظارت بر استقرار نهادهای حکومتی شد.

محمدعلی جناح در ۲۰ شهریور ۱۳۲۷ ق برابر با ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۸م بر اثر بیماری درگذشت. در تشییع جنازه او حدود یک میلیون تن حضور داشتند و ۴۰ روز عزای عمومی در پاکستان اعلام شد. جنازه او را در کراچی به خاک سپردند. آرامگاهش به مزار قائد معروف است.

یکی از بزرگراه‌های تهران به نام او نامگذاری شده است، به نام مردی که در پاکستان قائد اعظم خوانده می‌شود. اما چرا محمد علی جناح یک قهرمان ملی و محبوب است. او در واقع رهبر جنبش استقلال و بنیان‌گذار پاکستان بود که تمام تلاشش در جهت اتحاد مسلمانان و هندوهای پاکستان بود. او توانست بعد از سال‌ها جنگ و کشمکش بین مسلمانان و هندوها و بنا به ایده‌ی دو ملت اقبال لاهوری، طرح کشور مستقل پاکستان را تصویب کند و خود ریاست آن را بر عهده گرفت.

محمد علی جناح در سال ۱۸۷۶ میلادی در کراچی به دنیا آمد. فاطمه جناح خواهر محمدعلی جناح خاندان خود را ایرانی تبار دانسته است. دوران تحصیل پر فراز و نشیبی داشت اما بعد از سفر به لندن و کارآموزی در شرکت تجاری گراهام تصمیم نهایی خود را گرفت تا در رشته حقوق تحصیل کند و وارد دانشگاه شد تا در در بیست سالگی، به عنوان جوان ترین فارغ التحصیل هندی، به مقام وکالت دست پیدا کند. در دوران تحصیل در انگلستان عضو فعال جامعه مسلمانان این کشور بود. بعد از بازگشت به کشور، همکاری خود را با دادگاه عالی بمبئی آغاز کرد. او تنها وکیل مسلمانی بود که به دلیل شایستگی‌هایش به عنوان قاضی عالی رتبه انتخاب شد اما این جایگاه را نپذیرفت تا همچنان وکیل مدافع کسانی باشد که به آن‌ها ظلمی شده است.



شاعر علامه اقبال

به ایجاد کشور پاکستان شد. او شاعر ارزنده و ملی پاکستان است که بسیار مورد احترام است. اقبال لاهوری بر این اعتقاد بود که مشکلات مردمان مسلمان ریشه در غرب دارد و تاکید داشت که چشم به غرب نداشته باشند و راه نجات خود را در آموزه‌های اصیل اسلامی پیدا کنند. او چنان به اسلام و پیامبر باور داشت که هرگاه نام حضرت محمد(ص) برده می‌شد بی‌اختیار اشکش سرازیر می‌شد و الگو و آرمان او در شعر و زندگی رسول خدا و سپس حضرت علی (ع) بود که او را اسوه عدل و دانش و تقوا میدانست.

اقبال با فرهنگ عاشورا نیز بسیار مانوس بود تا بدانجا که می‌گوید:

«حسین به ما تعلیم داد که با در نظر گرفتن این هدف بزرگ و مداوم، مرگ سرخ را که فردای زندگی ابدی ما را رقم می‌زند، با بینش انقلابی و قاطعیت، بدون سکون انتخاب نماییم. عاشورا به ما حسین‌وار زندگی کردن، حسین‌وار مردن و حسین‌وار جنگیدن، حسین‌وار ایمان داشتن و شهادت را پذیرفتن و بالاتر از آن شهادت را با آگاهی انتخاب کردن و در مسیر رضای حق قرار دادن، آموخته است. آنجاست که با حق می‌میری و زندگی جاودانه‌ای را آغاز می‌کنی...» علامه قبال لاهوری در ۲۱ آوریل ۱۹۳۸ میلادی در ۶۱ سالگی به دلیل بیماری در پاکستان چشم از جهان فرو بست.

رمز قرآن از حسین آموختیم / ز آتش او شعله‌ها اندوختیم
اگر از ما بپرسند شاعر این بیت شعر کیست؟ اکثر ما آن را سروده یک شاعر ایرانی میدانیم و شاید کمتر کسی بداند، شاعر این بیت شعر علامه اقبال لاهوری است. فیلسوف و شاعر و سیاستمدار پاکستانی که علاقه بسیاری به اهل بیت، ایران و زبان فارسی داشت.

او در سال ۱۸۷۷ میلادی در خانواده‌ای اهل علم و دیندار در شهر سیالکوٹ ایالت پنجاب پاکستان به دنیا آمد و از همان کودکی مشغول فراگیری علوم دینی شد. به کالج رفت و بعد هم در دانشگاه تا مقطع دکترا در رشته فلسفه تحصیل کرد. علاوه بر علم فلسفه و حکمت و ادبیات با علم اقتصاد نیز آشنا بود.

این شاعر و نویسنده پاکستانی که به زبانهای اردو، عربی، فارسی و انگلیسی آشنا بود به دلیل علاقه به ایران و زبان فارسی، اشعار فاخر خود را به زبان فارسی سروده است. اما این چهره فرهنگی که با درد مردم آشنا بود تنها راه نجات را در آگاه کردن آنها میدانست که خود را از زیر ستم استعمارگران نجات دهند و اینگونه با عضویت وی در جنبش خلیفه که جنبشی اسلامی بر ضد استعمار بریتانیا بود نقش سیاسی خود را پررنگ‌تر از همیشه کرد. این نگاه ضد استعماری او از وی یک شخصیت فرامرزی به دنیا بویژه جهان اسلام معرفی کرد.

اقبال اولین شخصیتی بود که ایده‌ی یک کشور مستقل را برای مسلمانان هند مطرح کرد که در نهایت منجر

مدرسه بازی سازان فردا

قدمی برای بازی ساز شدن شما

یوسف موسوی ✨



خیلی از شما ممکن است حین بازی های کامپیوتری و موبایلی به این علاقه مند شده باشید که شغل آینده شما بازی سازی باشد. طراحان بازی معمولا شرکت ها و گروه های بزرگی هستند که با تخصص های مختلف کنار هم یک بازی را تولید می کنند.

اما اگر دانش آموز هستید و برنامه های درسی تان را در شبکه شاد در حال آموزش هستید این خبر خوش را به شما می دهیم که شبکه شاد علاوه بر تدریس درس های مدرسه این امکان را برای شما فراهم کرده که آموزش بازی سازی را هم در این شبکه یاد بگیرید.

طبق یک توافق بین آموزش و پرورش و بنیاد ملی بازی های رایانه ای این امکان یعنی آموزش بازی سازی برای تمام دانش آموزان بخصوص مقطع سنی زیر ۱۶ سال فراهم شده است. محتوای آموزشی تهیه شده در این انستیتو ملی بازی سازی به مرور از طریق کانال بازی سازان فردا در شبکه دانش آموزی شاد در اختیار بیش از ۴۰ هزار دانش آموز عضو این کانال قرار می گیرد.

محتوای آموزشی بازی ارائه شده در این کانال به صورت همزمان و غیرهمزمان خواهد بود و انستیتو ملی بازی سازی به عنوان هدایت کننده اصلی دانش آموزان در این شبکه، محتوای آموزشی حوزه های فنی، هنری و طراحی را از طریق این شبکه در اختیار دانش آموزان در سراسر کشور قرار می دهد.

دانش آموزان با ورود به کانال شبکه آموزشی شاد و جستجوی آدرس @bazarisan به راحتی می توانند به کانال مدرسه بازی سازان فردا و محتوای آموزشی ارائه شده در آن دسترسی پیدا کنند.

اما اگر دانش آموز هستید و برنامه های درسی تان را در شبکه شاد در حال آموزش هستید این خبر خوش را به شما می دهیم که شبکه شاد علاوه بر تدریس درس های مدرسه این امکان را برای شما فراهم کرده که آموزش بازی سازی را هم در این شبکه یاد بگیرید.

طبق یک توافق بین آموزش و پرورش و بنیاد ملی بازی های رایانه ای این امکان یعنی آموزش بازی سازی برای تمام دانش آموزان بخصوص مقطع سنی زیر ۱۶ سال فراهم شده است. محتوای آموزشی تهیه شده در این انستیتو ملی بازی سازی به مرور از طریق کانال بازی سازان فردا در شبکه دانش آموزی شاد در اختیار بیش از ۴۰ هزار دانش آموز عضو این کانال قرار می گیرد.

محتوای آموزشی بازی ارائه شده در این کانال به صورت همزمان و غیرهمزمان خواهد بود و انستیتو ملی بازی سازی به عنوان هدایت کننده اصلی دانش آموزان در این شبکه، محتوای آموزشی حوزه های فنی، هنری و طراحی را از طریق این شبکه در اختیار دانش آموزان در سراسر کشور قرار می دهد.



را هم به شما آموزش بدهد.

بازی‌سازی اهمیت زیادی در این چند سال پیدا کرده و مدیرعامل بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در مورد اهمیت آن گفته: «اثرات تربیتی و گردش مالی تا هزینه کرد مصرفی بازیکنان، مسابقاتی که برگزار می‌شود و تعداد بازی سرازهای فعال، همگی نشان دهنده اهمیت این مسئله در کشور است. حاکمیت هم برای تدبیر در این موضوع اقدام به تاسیس مجموعه بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای کرده است. یکی از موضوعاتی که در کشور از آن غفلت کرده‌ایم تربیت نیروی انسانی متخصص است. کسب این مهارت به اشتغال زایی و ورود به بازار کار و کسب درآمد در آینده کمک خواهد کرد. از سوی دیگر تربیت نیروی انسانی از این بُعد که موتور محرکه و قلب این صنعت است، اهمیت دارد و این مجموعه برای گسترش فضای حیاتی خویش به نیروی انسانی نیاز دارد.»

انستیتو ملی بازی‌سازی در استودیو خود در حال ضبط بیش از ۱۰۰ ساعت محتوای آموزشی برای این شبکه است که تا پایان سال تحصیلی جاری به تدریج در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. مدرسه بازی‌سازان فردا به عنوان یک مدرسه مهارتی به موازات دروسی که معلمان به دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی درس می‌دهند، ایجاد شده است تا بچه‌ها بازی‌سازی را از سطح مقدماتی تا حرفه‌ای یاد بگیرند و به عنوان نسل بازی‌ساز فردا به صنعت گیم ایران متصل شوند.

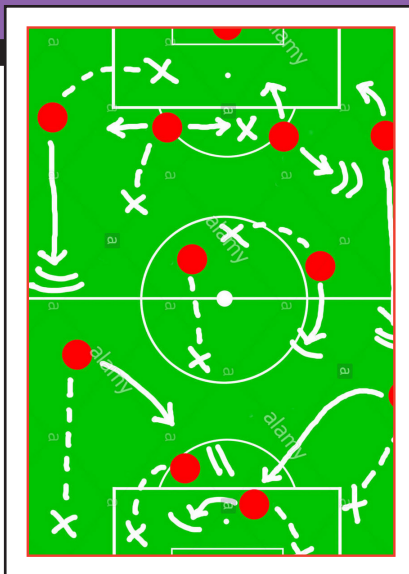


علیرضا کاظمی معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش گفته: «هدف مدرسه بازی‌سازان فردا ارتقاء دانش و سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان با استفاده از بازی‌های رایانه‌ای، کشف استعدادها و آموزش و تربیت با رویکرد عدالت بخشی است.»

به گفته مدیرکل فرهنگی هنری وزارت آموزش و پرورش: «طرح مدرسه بازی سازان فردا پس از یک سال تلاش شبانه روزی دو مجموعه اداره کل فرهنگی هنری و انستیتو بازی‌های رایانه‌ای اجرا شد تا بتوانیم به دانش‌آموزان خدمت جدید و ویژه ارائه دهیم. امروز بازی‌های رایانه‌ای یکی از نیازهای جدی بچه‌هاست که اگر آموزش و پرورش وارد حوزه بازی‌های دیجیتال نشود خطرات، نگرانی‌ها و آسیب شدیدی آن را تهدید می‌کند.»

یک‌سری از آمارها هم هستند که شنیدنشان برای کسانی که می‌خواهند در زمینه بازی‌های رایانه‌ای فعالیت کنند خالی از لطف نیست. سیدصادق پژمان، مدیرعامل بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در مورد اینکه چه تعداد از ایرانی‌ها مشغول این بازی‌ها هستند می‌گوید: «آخرین داده‌های بررسی شده در تازه‌ترین پیمایش ملی بنیاد نشان می‌دهد که در یک دهه اخیر (از سال ۸۹ تا کنون) مجموعه بازیکنان بازی‌های دیجیتال ۲ برابر شده و از ۱۶ به ۳۲ میلیون نفر رسیده است. سرانه مصرف هر ایرانی ۳۱ دقیقه و سرانه مصرف بازیکنان ۹۳ دقیقه در روز است. این آمار نشان دهنده مصرف روزانه بالای بازی‌های ویدئویی در کشور است و اینکه امروز بازی‌های ویدئویی جایگاه رسانه‌ای مهمی در همه دنیا پیدا کرده است.»

اگر تصمیم گرفته‌اید در آینده بازی‌ساز شوید در واقع طرح «مدرسه بازی سازان فردا» در شبکه شاد می‌تواند قدم اول برای آشنایی با الفبای بازی‌سازی برای شما باشد. شبکه ملی شاد همانطور که الفبای درس را به شما آموزش می‌دهد می‌تواند مبانی اولیه و اصول بازی‌سازی



علی علیزاده

مربی و آنالیزور فوتبال و فوتسال

چه در تیم فوتبال شهرتان باشید و چه در تیم مدرسه‌تان، یا اگر در کوچه با همسایه‌هایتان بازی می‌کنید، پیشرفت در مهارت‌های فوتبال هیچ ضرری برایتان ندارد. یک بازیکن خوب بودن، به اراده، تمرین و فداکاری احتیاج دارد. شما هیچ وقت برای ارتقای مهارت‌هایتان خیلی جوان یا خیلی پیر نیستید. و تنها مطلع بودن از چند ترفند ساده ممکن است به شما کمک کند تا مهارت‌هایتان را افزایش دهید!



شش قدم فوتبالی؛

آرزوی فوتبالیست شدن



قدم اول

به کلاس‌های آموزشی فوتبال بروید. چنین کلاس‌هایی از کودکان ۳ ساله تا بزرگسالان را پوشش می‌دهند. کلاس‌های آموزشی فوتبال، ورزش فوتبال را به شما معرفی کرده، همچنین به شما تکنیک‌های مختلف و تمریناتی که برای این ورزش مفیدند را به شما می‌آموزند. آن‌ها در حین اینکه شما را به چالش می‌کشند، فرم صحیح و استراتژی‌هایی را به شما یاد خواهند داد تا بازیکن بهتری شوید.

قدم دوم

هر روز تکنیک‌های موقعیت‌تان را تمرین کنید. چه بخواهید دروازه‌بان باشید و چه یک هافبک، چه بخواهید تهاجمی بازی کنید چه دفاعی، هر روز نیازمندی‌های موقعیت‌تان را تمرین کنید.

قدم سوم

در زمان‌هایی که برای خودتان هستید هم تمرینات سنگین انجام دهید. بسیاری از مربیان به «تمرین خودکشی» معتقدند، بدین صورت که باید با حداکثر سرعت‌تان، از یک سمت زمین به سمت دیگر، و با قدم‌هایی استوار و در مسیری ثابت بدوید. همچنین ممکن است از شما بخواهند تا اطراف زمین را از بیرون خط چند دوری بدوید، یا اینکه از نقطه‌ای در زمین با ضربه زدن و کنترل توپ، آنرا به نقطه‌ی دیگری حمل کنید. می‌توانید دویدن را در حیاط پشتی خانه‌تان تمرین کنید یا اینکه به یک زمین فوتبال بروید و دقیقاً همان تمرینات را انجام دهید.



قدم چهارم

ضربات آزاد را تمرین کنید. توپ را از بالا رها کنید و ضربه زدن به آن برای هدایت به منطقه‌ای مشخص را تمرین کنید. نشانه‌ای را برای خود تعیین کنید و تلاش کنید تا شوت زدن از زوایا و فواصل مختلف به سمت هدف را تمرین کنید.

قدم پنجم

پاس دادن و شوت زدن به عقب و جلو را تمرین کنید. شما باید بتوانید تا براحتی توپ را به هم تیمی خود در نزدیک‌ترین، و یا در دورترین نقطه پاس دهید. دویدن و عبور کردن از میان موانع مختلف همچون مخروطی‌ها و نشانگرها را تمرین کنید.

قدم ششم

با اعتماد بنفس بازی کنید. نباید از توپ بترسید یا اینکه اجازه دهید توپ شما را کنترل کند. هر چه بیشتر تمرین کنید، بیشتر بی‌پروا خواهید شد و اعتماد بنفس بالاتری پیدا خواهید کرد. زمانی که بتوانید توپ را در کنترل خود بگیرید، دیگر نیازی نیست درباره‌ی این فکر کنید که باید با آن چه کنید.

نتیجه

امیدوارم که روزی تبدیل به فوتبالیست‌هایی حرفه‌ای شوید.



حاج آقا اژه‌ای در این سال‌ها هم مسئولیت‌های مختلفی به عهده داشته و هم به تدریس در دانشگاه‌ها مشغول بود. در کنار همه اینها عمرش را صرف اعتلای علم، دانش و پرورش استعداد‌های درخشان کشور کرد. حجت‌الاسلام اژه‌ای بنیان‌گذار و پدر سمپاد بعد از انقلاب بود که پس از دو دهه فعالیت علمی و اجرایی آمیخته به عشق معلمی، یادگاری جاودان را برای کشف و پرورش استعداد‌های درخشان و نخبگان ایران اسلامی از خود به‌جا گذاشت. در طول این سال‌ها چندین هزار استعداد درخشان در سراسر کشور فرصت این را یافتند تا در بستر ایجاد شده رشد کنند و مسیر زندگی خود را تغییر دهند. مدارس پرورش استعداد‌های درخشان فضایی است که افراد فارغ از هر طبقه اجتماعی با ملاک استعداد و هوش از امکانات بهره‌مند می‌شوند و رهبر انقلاب توجه ویژه‌ای به این مدارس دارند.

سمپاد در کلام رهبری

رهبر همیشه نظر مثبت و مساعدی به این مدارس داشتند به شکلی که آخرین اظهارنظر ایشان در ۱۱ شهریورماه ۱۳۹۹ در ارتباط تصویری با وزیر، معاونان، مدیران و رؤسای وزارت آموزش و پرورش در سی و چهارمین اجلاس آموزش و پرورش بود. آقا، مدارس پرورش استعداد‌های درخشان یا همان سمپاد را از مسائل مهم و اساسی آموزش و پرورش خواندند و با اشاره به ابلاغ مصوبه مربوط به مدارس سمپاد که با تأخیر هم انجام شد، بر جدی گرفتن موضوع شناسایی و پرورش استعداد‌های درخشان تأکید کردند و افزودند: «جایگاه کشور در المپیادها



موسس سمپاد جاودانه شد

مجاهد خاموش

محمد مهدی قاسمی ✨

شاید شما هم یکی از دانش‌آموزان مدارس استعداد‌های درخشان معروف به سمپاد باشید یا در آزمون ورودی این مدرسه شرکت کرده باشید. موسس این سازمان یعنی سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان به رحمت خدا رفت در حالی که یادگاری عظیم و مهمی از خود به جا گذاشت. حجت‌الاسلام جواد اژه‌ای اصفهانی پنجم فروردین ۱۳۲۷ خورشیدی در اصفهان به دنیا آمد. تا قبل از انقلاب در کنار تحصیلات حوزوی از دانشگاه اصفهان هم مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد روانشناسی گرفت. در سال ۱۳۵۳ به دعوت دکتر بهشتی به هامبورگ رفت تا جذب انجمن اسلامی دانشجویان اروپا بشود. در اتریش هم توانست دکتری روانشناسی تجربی اخذ کند. حجت‌الاسلام اژه‌ای داماد و پسر خاله سید محمد بهشتی بود، برادرش اکبر اژه‌ای هم از شهدای انفجار حزب جمهوری اسلامی است.

نیز باید بهبود و ارتقا یابد، زیرا در سال‌های اخیر وضعیت ما برجسته نبوده است.»

در این دیدار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مدارس پرورش استعداد‌های درخشان یا همان سمپاد را از مسائل مهم و اساسی آموزش و پرورش خواندند و با اشاره به ابلاغ مصوبه مربوط به مدارس سمپاد که با تأخیر هم انجام شد، بر جدی گرفتن موضوع شناسایی و پرورش استعداد‌های درخشان تأکید کردند.

آقا در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ در دیدار معلمان و فرهنگیان نیز به‌صراحت بیان داشتند: «مدارس استعداد‌های درخشان خیلی مهم است، نخبه‌پروری خیلی مهم است، مدارس استعداد‌های درخشان نباید تضعیف بشود، هر چه می‌توانید اینها را تقویت کنید و جایگاه کشور در المپیادهای جهانی بایستی حفظ بشود.»

پیش از این و در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ در دانشگاه فرهنگیان یکی از نکاتی که رهبر انقلاب اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت مورد تأکید قرار دادند، توجه همه‌جانبه و کاملاً حرفه‌ای و بدون تبعیض به موضوع تیزهوشان و مدارس سمپاد بود. ایشان به‌صراحت بیان کردند: «مسئله بعدی هم در مورد تعلیم و تربیت، همین توجه به تیزهوشان و نخبگان است؛ خوب بحث‌هایی هست؛ مقامات مسئول بایستی به‌صورت همه‌جانبه به این مسئله نگاه کنند. مسئله سمپادها یا هر شیوه دیگری را کاملاً حرفه‌ای، با ملاحظه جوانب مختلف بسنجند؛ کاری کنند که تبعیضی به وجود نیاید، مشکلاتی به وجود نیاید، دلال‌بازی‌ها درست نشود و مسئله تیزهوشان به معنای واقعی کلمه دنبال بشود.»

مقام معظم رهبری همیشه نگران این مجموعه مدارس بوده به شکلی که در دیدار خود با نخبگان علمی

جوان در روز ۲۸ مهرماه ۱۳۹۵ از وضعیت «سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان» (سمپاد) این‌چنین ابراز نگرانی کردند: «من از این مسئله سمپاد - این سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان - نگرانم. گزارش‌هایی که به من می‌رسد، گزارش‌های خرسندکننده‌ای نیست؛ این سمپاد خیلی مهم است. این کار خیلی مهمی است و آن نکته هم که اشاره کردند که یک تعداد زیادی مدرسه بر اساس این [طرح تأسیس شده]، این متوقف به این است که این سازمان خوب بچرخد و خوب اداره بشود؛ گزارش‌هایی که به ما می‌رسد در این جهت، گزارش‌های خرسندکننده‌ای نیست.»

پس از درگذشت مرحوم اژه‌ای، رهبر انقلاب در پیامی ضمن تسلیت درگذشت این عالم مجاهد از نکاتی مهم و درخشان درباره شخصیت علمی و تلاش‌های ایشان یاد کردند تا به جامعه علمی ادامه حرکت جهادی مرحوم حجت‌الاسلام جواد اژه‌ای را گوشزد کنند: «...شخصیت برجسته و ممتازی که سال‌های متمادی مجاهدت‌های بزرگ و مبارک را با اخلاص و بدون اندک تظاهری عهده‌دار شد. یادگارهای فراموش‌نشده‌ای برای کشور و انقلاب برجای گذاشت. تشکیل انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، تشکیل مدارس استعداد‌های درخشان کشور، مدیریت پدرا نه بر مجموعه‌های نخبگانی جوان، و سازنده در دوران طلایی مدال‌آوری‌های علمی بین‌المللی ازجمله این یادگارهای بی‌همانند است. این مجاهد خاموش که خود برادر شهیدی عزیز و داماد شهید عالیقدر آیت‌الله بهشتی بود بنای نخبگی و نخبه‌پروری را بر شالوده‌های محکم ایمان و انقلاب استوار ساخت و سپیدروی و سرافراز به ملاقات خداوند رحیم شتافت.»





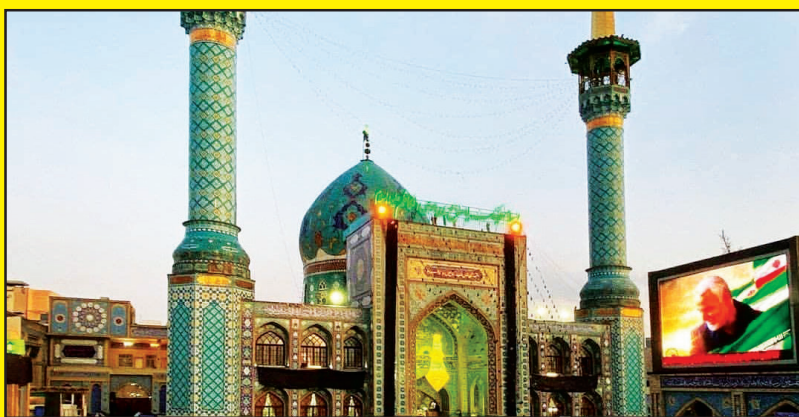
پیشنهاد گردشگری



استان تهران



زیارت در تهران



در این شماره سری به زیارتگاه‌های سطح شهر تهران می‌زنیم. برخی از این آرامگاه‌ها که قدمت چندین ساله و حتی به قرن سوم و چهارم هجری می‌رسد جاذبه‌های تاریخی نیز دارند. پایتخت نزدیک به ۸۱ زیارت‌گاه دارد که از بین آن‌ها ۴ امامزاده از ارج و قرب بیشتری برخوردار هستند که به این پنج آرامگاه اصلی می‌پردازیم:

شاه عبدالعظیم حسنی (ع): شهر ری، شهر امامزادگان است در بین آرامگاه‌های این شهر، زیارتگاه شاه عبدالعظیم (ع) که قدمتش به قرن سوم یعنی دوران صفوی، ایلخانی و قاجار می‌رسد در کنار آرامگاه امامزاده حمزه و امامزاده طاهر یکی از مشهورترین مکان‌های زیارتی ایران و تهران است.

امامزاده صالح (ع): تهرانی‌ها وقتی دلشان می‌گیرد، نمی‌توانند به زیارت امام هشتم (ع) بروند، به برادر ایشان امامزاده صالح متوسل می‌شوند، تجریش محله‌ای فارغ از بازارچه‌های خرید، در پس ذهن تهرانی‌های به واسطه حضور آرامگاه امامزاده صالح مکانی برای زیارت و نذر و نیاز است.

امامزاده قاسم (ع): در شمیران، در باره این امامزاده که در حدود دو کیلومتری شمال تجریش، شرق دربند و گلاب دره و در دامنه کوه سرچال کوچک واقع شده، نقل قول‌های فراوانی وجود دارد که اکثراً عامیانه و فاقد سند است، به طور مثال برخی می‌گویند این امامزاده همان قاسم بن الحسن معروف است که در جریان کربلا به شهادت می‌رسد و سر ایشان را برای عبرت مردم به اطراف شهر ری می‌فرستند. **امامزاده عبدالله (ع)**: آرامگاه امامزاده عبدالله شهر ری از مراکز عبادی متعلق به دوران صفوی - قاجاری است. بنای این بقعه که در خیابان فداییان اسلام، سه راه ورامین قرار دارد به قرن یازدهم هجری می‌رسد.

پیشنهاد

“

در این دو صفحه سعی داریم در هر شماره بسته پیشنهادی جذاب و متنوعی برای شما آماده کنیم، کجا بروید؟ چه فیلمی ببینید؟ چه کتابی بخوانید؟ بازی‌های جدید کدامند؟ با نرم افزارهای کاربردی شما را آشنا کنیم و... کلی برنامه‌های جذاب که اوقات فراغت شما را می‌تواند به بهترین شکل پر کند، این صفحات را از دست ندهید.

”



گردشگری

فیلم

کتاب

بازی

پیشنهاد بازی



دوران افتخار



بازی موبایلی جنگاور ایرانی یک بازی اکشن - رقابتی بسیار مهیج و خلاقانه با گرافیکی بالا است

بازی دوران افتخار روایتگر خاطرات رزمندگان اسلام در دو عملیات بیت المقدس و مرصاد است که به همت جوانان متخصص ایران اسلامی تولید شده است.

این بازی در سومین نمایشگاه بازی های رایانه ای معرفی شد و مورد استقبال بازدید کنندگان قرار گرفت.

این بازی شامل ۶ مرحله و در سبک اول شخص اکشن با کیفیتی بالا در حوزه دفاع مقدس با هدف آشنایی نسل جوان و نوجوان با مفاهیم و ارزش های والای دفاع مقدس تولید شده است



داستان درباره دختری به نام نیلوفر است که همراه پدر و مادر و برادرش در یکی از شهرک های اطراف قلعه «فلک افلاک» در خرم آباد زندگی می کند. پدر نیلوفر مسئول موزه قلعه است. یک شب نیلوفر همراه با معلم جغرافی و دوستانش برای دیدن شهاب های آسمانی به قلعه می روند. وقتی نیلوفر برای پیدا کردن نقشه مقوایی اش که باد با خود برده بود از جمع دوستانش جدا می شود. به برج دوم قلعه می رسد که آنجا متوجه چیزهای عجیبی می شود و همراه با دوستان در پی این معما می روند.

راز قلعه افلاک

نویسنده: حمید نوایی لواسانی

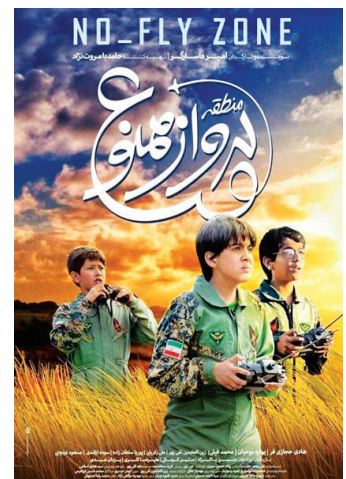
نام انتشارات: سوره مهر

سال انتشار: ۱۳۹۱

پیشنهاد کتاب



پیشنهاد فیلم



منطقه پرواز ممنوع

کارگردان: امیر داسارگر
تهیه کننده: حامد بامروت نژاد
نویسنده: امیر داسارگر

بازیگران: هادی حجازی فر، متین پاکزاد، متین کرمانی، علیرضا اکبری، بهار نوحیان، زین العابدین تقی پور، پوریا سلطان زاده، علی زکریایی، محمد فیلی و...

این فیلم روایتگر سرگذشت دوجوان ایرانی و یک نوجوان افغانستانی باهوشی است که در حین ساخت پهباد با پیدا شدن یوزپلنگ ایرانی در حوالی محل زندگیشان وارد مسائل و درگیری های مختلف و مهیجی می شوند.

۱. تمرین تعادل

این یک فعالیت آسان است و می‌تواند برای فرزندان بسیار عالی باشد و به آنها در بهبود مهارت‌های حرکتی و تعادل آنها کمک کند.

آنچه شما نیاز دارید:

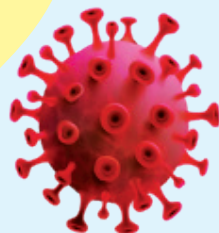
نوار رنگی
فضای کف برای بازی

نحوه بازی:

نوارهای رنگی مختلف را روی زمین بچسبانید هر نوار رنگی می‌تواند یک قانون متفاوت برای پیاده‌روی داشته باشد. به عنوان مثال، می‌توانید از فرزند بخواهید که روی یک پا روی نوار رنگی قرمز قدم بزند. کودک فقط باید روی نوار پیاده‌روی کند. اگر او از نوار بیفتد، او از بازی خارج خواهد شد. کودکی که تمام طول نوار را بدون افتادن از نوار پیاده‌روی می‌کند، برنده بازی می‌شود.

پیشنهاد:

بازی را با تغییر قوانین جالب کنید

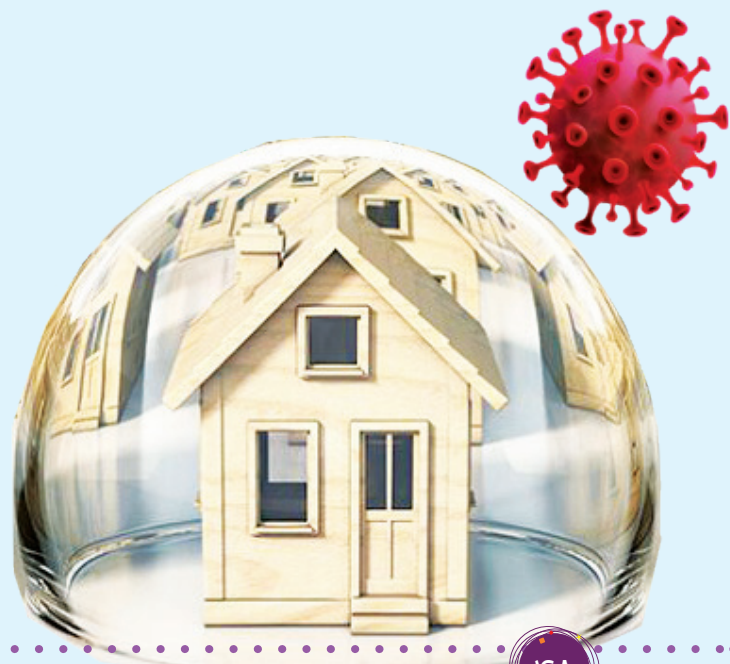


بخش ۱

سرگرمی‌هایی برای در خانه ماندن

در خانه ماندن و قرنطینه با روحیه خانواده‌های ایرانی به‌خصوص کودکان سازگار نیست. ما ایرانی‌ها به‌طور معمول افرادی شاد، و اهل معاشرت و سفر هستیم به همین خاطر در خانه ماندن و قرنطینه کمی سخت به نظر می‌رسد. اما می‌توان این قرنطینه اجباری به دلیل شیوع کرونا و برای حفظ سلامتی را با انجام امورات سرگرم‌کننده به‌روزهایی شاد و متنوع تبدیل کرد تا علاوه بر خانواده، کودکان ما نیز با این تجربه، به خاطراتی زیبا دست یابند.

هیچ چیز مانند یک بازی خوب برای جمع کردن خانواده وجود ندارد. در اینجا لیستی از بازی‌های سرپوشیده برای بچه‌ها وجود دارد که می‌توانند به خوبی در هنگام دلخواه برای گذراندن اوقات خانوادگی مناسب باشند.





۳. بولینگ داخل خانه

یک مسیر بولینگ ساده در خانه خود ایجاد کنید و از آن لذت ببرید. این بازی همچنین برای هماهنگی دست و چشم در کودکان ایده آل است.

آنچه شما نیاز دارید:

فضای کف برای بازی
ده بطری خالی یا قوطی نوشابه
توپ پلاستیکی یا توپ تنیس
نوار
نشانگر
رنگ اسپری (غیر سمی)

نحوه بازی:

با استفاده از نوار، یک خط بولینگ ایجاد کنید. بسته‌های قوطی و بطری‌ها را جدا کرده و آنها را اسپری کنید. بگذارید آنها خشک شوند. بطری‌های انتهای خط را مرتب کنید. شما ممکن است آن را مانند پین‌های بولینگ ترتیب دهید یا آنها را در بالای یکدیگر قرار دهید تا یک هرم تشکیل شود از کودک بخواهید که با استفاده از توپ به این ترتیب عمل کند.



۲. پرتاب سکه یا توپ

این بازی در ساختن هماهنگی دست و چشم فرزند شما کمک خواهد کرد.

آنچه شما نیاز دارید:

سکه یا سکه ارزی
کاسه‌های بزرگ یا فنجان‌های پلاستیکی بزرگ

نحوه بازی:

فنجان را روی یک صندلی روی میز جلوی کودکان قرار دهید
به هر کودک ۵ سکه هدیه دهید
می توانید از کودک بخواهید مطابق با سانش چند قدم از جام فاصله داشته باشد
به فرزندتان توضیح دهید که او مجبور است سکه‌ها را یک بار در یک فنجان پرتاب کند
فردی که بیشترین سکه‌های جام را دارد برنده می‌شود.

پیشنهاد:

در این بازی می‌توانید از تیله یا توپ پینگ پنگ به جای سکه استفاده کنید.



توصیه شهید



امیر علی حیدری

وصیت نامه نوجوان ۱۶ ساله شهید والامقام امیر علی حیدری

به نام الله پاسدار خون شهیدان. من امیر علی حیدری کلاس سوم، مدرسه شیخ انصاری، تاریخ تولد ۱۳۴۷، شماره شناسنامه ۳۷۷۰ هستم. من با اینکه به پدر و مادرم خدمت نکردم از پدر و مادرم می‌خواهم که مرا حلال کنند. من این وصیت‌نامه را در روزی که به خرمشهر رسیدیم، می‌نویسم یعنی روز یکشنبه. در اینجا یک خانه سالم وجود ندارد. تمام خانه یک جایش خراب شده است و بعضی خانه‌ها تماماً خراب شده است. من چند وصیت دارم که می‌نویسم، هر چند که من لیاقت وصیت کردن ندارم:



۱- توشه برای آخرت خود جمع کنید و خیر زادالتقوی، هر چند که خود من توشه و کار نیک و خوبی برای آخرت برنداشته و انجام ندادم. اولین تاثیر که در من بوجود آمد، به وسیله برادرم داود حیدری که وقتی شهید شد بوجود آمد. من برادرم را شهید می‌گویم چون واقعا می‌کوشید و برای آخرت خود کار نیک انجام داده بود.

۲- شما پدر و مادر خوب من باهم مثل علی و فاطمه رفتار کنید چون وقتی شما در زندگی با هم خوب باشید فرزندان شما هم خوب تربیت می‌شوند و ان شاء الله که با هم خوب باشید.

۳- مادر من ۸۰۰ صلوات باید بفرستم برای اینکه نذر کرده بودم که وقتی بیایم جبهه هزار صلوات بفرستم ۲۰۰ تای آن را فرستادم و بقیه ماند.

مادر کسی که شهید می‌دهد، یک هدیه به خدا داده و این یک افتخار است که کسی که یک هدیه بدهد. اگر بیایم این مسئله را روی انسان مشاهده کنیم، خوب انسان به این مطلب پی می‌برد. مثلاً اگر کسی بخواهد به یک پادشاه هدیه بدهد نمی‌تواند یا یک نفر با پادشاه دیدار کند نمی‌تواند مخصوصاً که یک فرد عادی باشد اما انسان می‌تواند با خدای خودش حرف بزند و او را دیدار کند. و از این جا پی به بزرگی خدا می‌بریم و یک افتخار دانستن.

و در آخر خدا از گناهان ما بگذرد و خدا ما را به شهادت برساند. اللهم الرزقنا توفیق الشهادة فی سبیلک در آخر از دوستانم که در کوچه هستند می‌خواهم برای خودشان توشه جمع کنند ان شاء الله.





افام صادق علیه السلام :

نوجوانان را دریاب زیرا که
آنان سریع‌تر به کارهای خیر
روی می‌آورند.

کافر (ط-الاسلامیه) ج ۸، ص ۹۴، ح ۶۶

آینده مملکت در دست دانش آموزان است

(عظیمی)
مقام معظم رهبری



۲۶ مرداد سالروز

بزرگداشت آزادیگان

کرامی باد

